

راهی برای آشتی با خدای مهربان



بسم الله الرحمن الرحیم

خدای قلب من : راهی برای آشتی با خدای مهربان

نویسنده:

مهدی خدامیان آرانی

ناشر چاپی:

دعوت

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

خدای قلب من : راهی برای آشتی با خدای مهربان

مشخصات کتاب

عنوان و نام پدیدآور : خدای قلب من : راهی برای آشتی با خدای مهربان/مهدی خدامیان آرانی

شابک۹۷۸-۹۶۴-۲۹۰۹-۶۳-۶ :

پدیدآورنده(شخص)خدامیان آرانی، مهدی، ۱۳۵۳ -

عنوانآسمانی ترین عشق: به شیعه بودن خود افتخار کنید!

تکرار نام پدیدآورمهدی خدامیان آرانی

مشخصات نشرتهران: دعوت،۱۳۸۸ .

مشخصات ظاهری۸۲ص

بها۱۳۰۰۰ریال

یادداشتکتابنامه : ص [۷۴] - ۷۹ ، همچنین بصورت زیر نویس

موضوعداستانهای مذهبی--قرن ۱۴

موضوعشیعه -- داستان

موضوعاسلام -- داستان

رده کنگره۹،BP/خ۳۷آ۱۳۸۸،۵

رده دیوئی۲۹۷/۶۸

شماره مدرک۱۷۵۴۴۹۳

مشخصات ظاهری : ۹۶ص.

فروست : (اندیشه سبز؛ ۱۷)

وضعیت فهرست نویسی : در انتظار فهرستنویسی (اطلاعات ثبت)

یادداشت : چاپ اول

شماره کتابشناسی ملی : ۲۴۴۸۹۸۷

مقدمه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

یادم نمی رود اوّلین باری که خدا توفیقم داده بود و من در شهر مدینه بودم.

شب جمعه بود و در کنار قبرستان بقیع، دعای کمیل برگزار می شد من همراه با دیگر هموطنان خود در آن مراسم شرکت کرده بودم. مراسم باشکوهی بود.

بعد از مراسم دعا، فکری به ذهنم رسید، دوست داشتم بدانم این مراسم، چه دستاوردی برای هموطنان من داشته است.

برای همین تقریباً از دویست نفر این سؤال را پرسیدم:

حاج آقا! حاج خانم!

آیا می توانی یک جمله از این دعایی که خوانده شد را برای من ترجمه کنی؟ به راستی ما در این مدّت به خدا چه گفتیم و از او چه خواستیم؟

شاید تعجّب کنید، بیشتر مردم به من نگاه می کردند و نمی توانستند جوابی بدهند.

آن شب بود که من با خود گفتم که آیا وقت آن نرسیده است که دعاهای زیبایی که از ائمه اطهار(ع) رسیده است برای مردم و خصوصا جوانان عزیز، ترجمه کنیم؟

این گونه بود که این کتاب نوشته شد تا قدمی کوتاه به سوی آن آرزو بزرگ باشد.

اکنون تو با این کتاب که ترجمه ساده ای از دعاهای مختلف است، می توانی با خدای

قلب خود سخن بگویی و لذّت ببری.

شما می توانید دلیل سخنان مرا در پی نوشت هایی که برایتان ذکر کرده ام، بیابید.

بسیار خوشحال می شوم که از نظرات شما در مورد این کتاب بهره ببرم ، منتظر شما هستم .

مهدی خُدّامیان آرانی

قم، آذر ۱۳۸۷

فصل اول

خدای من !

از تو می خواهم با من مهربان باشی آن لحظه ای که مرگ به سراغم آمده باشد و دوستان و عزیزانم بر من گریه کنند!

آن لحظه ای که مرا در تابوت بنهند و به سوی قبر ببرند، من خیلی به مهربانی تو محتاجم.

چرا که تو خود می دانی آن لحظه ها، هنگام بی کسی من است.

امیدم فقط به تو است که دستم را بگیری و غم از دلم بزدایی.۱

اگر تو مرا بپذیری، دیگر از دوری همه، غمی به دل نخواهم داشت.

ای کسی که سخن بندگان خود را می شنوی و امیدشان را ناامید نمی کنی!۲

خدای من !

اگر عمر مرا هزاران سال قرار دهی و من هم در تمام عمر به عبادت تو مشغول شوم، نمی توانم شکر یکی از نعمت هایی که به من داده ای، بجای آورم!

به خودت قسم، من می دانم که نمی توانم آن همه نعمت هـای خوب تو را شکرگزاری کنم!۳ به راستی که بندگان خوب تو هم مثل من از شکر تو ناتوانند.

امّا دلم به این خوش است که در مقابل این همه نعمت های تو اعتراف کنم که از شکر تو عاجز و ناتوانم!

من این احساس ناتوانی را به پیشگاهت هدیه می کنم.

شاید که قبول کنی!۴

خدای من !

تو خود می دانی که اگر من معصیت کردم، شرمنده تو هستم.

چه کنم، شیطان وسوسه ام کرد

و فریبم داد.

چون شیطان خودش از تو دور شده بود، می خواست مرا هم از تو دور کند.

امّا خودت خوب می دانی، من طاقت دوری تو را ندارم.

من بدون تو نمی توانم زنده بمانم!

من به عشق و مهربانی تو زنده هستم.

پس بر من رحم کن و توبه ام را بپذیر چرا که می دانم تو توبه کنندگان را بسیار دوست داری!

اکنون که به درگاهت آمده ام، به بخشش بی انتهایت امید بسته ام.

ای بهترین بخشنده ها!۵

خدای من !

تو که می دانی من لحظه ای در ایمان به تو شک نکرده ام و هرگز گرد شرک و کفر نرفته ام!

امّا گاه هوای نفس فریبم داد و به گناه آلوده شدم.

تو که از قلبم آگاه بوده و هستی، خوب می دانی.

آری، گناه من یک هوس سیاه بود ولی به معنای قهر کردن با تو نبود.

تو خود می دانی همان لحظه گناه هم نمی خواستم با تو دشمنی کنم!

اکنون از کرده خویش پشیمانم و به درگاه تو رو کرده ام.

پس گناهم ببخشای که من محتاج بخشش توام!۶

خدای من !

دیشب خیلی دلم هوای تو را کرده بود و می خواستم با تو سخن بگویم ودرد دل کنم امّا به یاد گناهان خویش افتادم، شرمنده رویت شدم و سکوت کردم.

راستش از تو خجالت کشیدم.

امّا وقتی به تپش های قلب خویش گوش فرادادم، دوباره متوجّه لطف تو شدم!

این قلب من به عشق تو می تپید!

زیرا تو مرا عاشق زیبایی هایت نموده ای، و من دیگر نمی توانم دوستت نداشته باشم!

آن خجالت گناه در پرتو عشق تو رنگ باخت و بار دیگر صدایت زدم.

ای خدای قلب من، دوستت دارم!۷

خدای من !

اگر می دانستم که عذاب کردن

برای تو فایده ای دارد، از تو می خواستم تا به من صبری عنایت کنی تا عذاب تو را تحمّل کنم!

امّا چه کنم که می دانم اگر همه مردم نافرمانی تو کنند به تو هیچ ضرری نمی رسانند.

حال که می دانم معصیت و گناهم به تو هیچ ضرری نمی رساند؛

اکنون که می دانم حتّی کارهای خوب من هم برای تو هیچ فایده ای ندارد؛

از تو می خواهم که گناهم را ببخشایی و مرا از عذاب خود نجات دهی.

ای کسی که قبل از من هم گنهکاران زیادی را بخشیده ای!

ای مهربان ترین مهربانان!۸

خدای من !

فردای قیامت که مرا بار دیگر زنده کنی و برای حسابرسی صدایم بزنی به خودت قسم!

اگر گناهانم را برایم بشماری، من هم بخشش و مهربانی هایت را برایت می شمارم!

اگر خطاهایم را به رخم بکشی، من هم آقایی و بزرگی تو را به رخت خواهم کشید!

باور کن که هیچ گاه مهربانی هایی که به من نمودی فراموش نمی کنم!

شاید یک بار دیگر با مهربانی به من نگاه کنی.

و آن گاه خوشا به حال من!۹

خدای من !

همه دنبال این هستند که عزیز و بزرگ شوند و من هر چه فکر می کنم می بینم که عزّتی بالاتر از این نیست که بنده خدایی چون تو هستم.

به راستی که عزّت دنیا و آخرت در بندگی تو است.

به خودت قسم، برای من همین بس که خدایی چون تو بزرگوار و مهربان دارم.

وقتی می بینم خدایی، چون تو دارم به خود می بالم و دلشادم.

تو همان گونه هستی که من دوست دارم!

پس مرا هم آن گونه قرار ده که خود دوست داری.

تا همواره از بندگان خوب تو باشم.۱۰

خدای من !

چون به یاد گناهانم می افتم، دیگر نمی توانم با تو سخن بگویم و تو را صدا بزنم!

امّا همان لحظه است که امید به تو نجاتم می دهد۱۱

و مرا به گدایی درِ خانه ات راهنمایی می کند!

آری، خوب می دانم تو هستی که پیک امید را برای قلب من می فرستی تا مبادا در ناامیدی تباه شوم.

اکنون که مرا به لطف خویش امیدوار کرده ای، امیدم را ناامید مکن.

چرا که از همه کس ناامید شده ام و به تو دل بسته ام.۱۲

اکنون که تو امید را به من یاد داده ای پس ترس و وحشت را از دلم بزدای و آرامش را بر من ارزانی دار.۱۳

فصل دوم

خدای من !

آن لحظه ای را به یاد می آورم که بدنم را در قبر نهند؛

دوستانم بر سر خاکم گریه کنند و اشک بریزند؛

من سر بر تیره خاک نهاده باشم و در تنهایی خود بی کس و تنها باشم.

تاریکی قبر آزارم دهد و قلبم را با وحشت عجین سازد.

در آن لحظه های بی کسی به فریادم برس!

مرا به مهمانی خود قبول کن!

که اگر تو مرا قبول کنی از هر کسی به من مهربان تر خواهی بود؛

هم مونس و هم رفیق من خواهی بود

و آن لحظه ها، شیرین تر از عسل خواهند شد.

چرا که به مهمانی تو آمده ام و کسی که میزبانی چون تو دارد غم ندارد.۱۴

خدای من !

وقتی تو را صدا می زنم، صدایم را بشنو!

وقتی با تو سخن می گویم، رویت را از من برمگردان و مهربانانه نگاهم کن!

من به درگاه تو پناه آورده ام.

تو که از حال من خبر داری، حاجت مرا می دانی و قلب مرا می خوانی

اگر تو جواب مرا ندهی

چه کسی یاریم می کند؟

من خود می دانم که شایسته مهربانی تو نیستم امّا رحمت تو آن قدر بی انتها است که می تواند مرا هم در برگیرد!

به درگاه تو آمده ام در حالی که به رحمت تو امیدوارم.

پس رویت را از من برمگردان!

دست رد بر سینه ام مزن که جز تو کسی را ندارم!۱۵

خدای من !

در این فکر بودم که اگر مرگ به سراغ من آید چه کنم و چگونه با تو روبرو شوم؟

آیا به نماز و روزه ام بنازم؟

نه، همه کارهای من پر از عیب و نقص است، پس چه کنم، چه چیز را به درگاه تو عرضه کنم؟

فهمیدم، تنها یک چیز دارم که بی عیب و نقص است و می توانم آن را به درگاه تو بیاورم، آن هم اعتراف به گناهانم است!

تو خود می دانی که در این احساس شرمندگی خویش، ریایی نکرده ام، این پاک ترین احساس من بوده است!

برای همین آن را برای شب اوّل قبرم، ذخیره کرده ام که به درگاه تو عرضه کنم.۱۶

خدای من !

چگونه از بخشش تو در روز قیامت ناامید شوم حال آنکه در این دنیا جز خوبی از تو ندیدم!

تو گناهان مرا در این دنیا پوشاندی، حال چه می شود که در روز قیامت گناهانم را بپوشانی!

اگر مرا دوست نمی داشتی، مرا با خود آشنا نمی کردی.

برای روز قیامت، به کارهای خوبم دلخوش نیستم چرا که اعمال خوبم بسیار کم است امّا دلخوشیَم، در امیدواری به تو است، چرا که خودت هم می دانی، امید من به تو بسیار زیاد است.

می دانم که تو هیچ گاه این امید را از من نخواهی گرفت!

چرا که خود می دانی، این تنها سرمایه

من است!

امید به تو همه چیز من است.۱۷

خدای من !

تو که می دانی فقط عشق تو می تواند مرا از گرداب گناه نجات دهد و از دام شیطان برهاند.۱۸

پس عشق خودت را در قلبم بیشتر و بیشتر بگردان که باور دارم عشق تو مایه نجات دنیا و آخرت من است.

قلب مرا حرم خود قرار داده ای پس کمک کن تا غیر تو در این حرم جای نگیرد.۱۹

خدایا! به من دلی مملو از شوق به خودت بده تا بتوانم به تو نزدیک و نزدیک تر شوم.

مرا از کسانی قرار ده که لحظه به لحظه، عشق و محبّتشان به تو بیشتر و بیشتر می شود.۲۰

خدای من !

آن روزی که همه مرا فراموش کنند و هیچ اثری از من نباشد با من مهربان باش!۲۱

من که از همه جا دل کنده و به درِ خانه تو رو آورده ام، امیدوارم که درِ خانه ات را به رویم بگشایی، چرا که خود می دانی دل شکستن هنر نمی باشد.۲۲

اکنون که دلم را با عشق به خود زنده کرده ای، چگونه به عذابت گرفتارم خواهی نمود؟۲۳

اگر چه به خاطر گناهانم از کاروان خوبان عقب مانده ام ولی به خوبی و مهربانی تو دل بسته ام که مرا در زمره بندگان خوب خود قرار دهی!۲۴

خدای من !

آن روز که سر از قبر بیرون آورم و خاک از سر و صورتم بریزد محتاج مهربانیت هستم.

از آنچه چشمم می بیند در هراس خواهم بود و اضطرابی بزرگ تمام وجودم را فرا خواهد گرفت!

آن روز غصّه های من زیاد است، مبادا تو با قهر کردن با من بر

غصّه هایم بیفزایی!

برای آن روز سرمایه بزرگی اندوخته ام که همان امید به مهربانیِ تو است!

ای بی نیاز!

آیا تو تنها سرمایه مرا از من خواهی گرفت!۲۵

خدای من !

مگر خودت در کتاب خویش نفرمودی:

ای بندگان من که بر خود ستم کرده اید،

از رحمت من ناامید نشوید که من تمام گناهان شما را می بخشم.

حال که من این سخن تو را شنیدم پس چگونه به بخشش تو امید نداشته باشم.

هر چه فکر می کنم می بینم که تو همواره به من خوبی و احسان کردی و همین مرا نوید می دهد که به من نگاه محبّت داری!

و هر کس که تو به او این گونه نظر کنی دیگر چه کم دارد؟

از تو می خواهم مثل همیشه با من مهربان باشی.

مرا دوست داشته باشی و عشقت را در قلبم جای دهی!۲۶

خدای من !

اگر گناهانِ من به اندازه آسمان ها و زمین هم بشود هرگز از بخشش تو ناامید نخواهم شد و همواره در انتظار مهربانیت خواهم ماند.

تو بودی که یادم دادی تا تو را بخوانم پس اکنون که تو را می خوانم مرا ناامید مکن!

به عزّت و بزرگیت قسم که تو را چنان دوست دارم که لذّت این دوستی را در عمق وجودم احساس می کنم و هرگز باور نمی کنم که تو دوستان خود را دوست نداشته باشی!

در انتظار عفو تو می مانم و هرگز از رحمت تو ناامید نمی شوم.

که هیچ انتظاری را از این شیرین تر نمی یابم.

پس مناجات با خودت را روزیم کن تا بتوانم با یاد تو به آرامش برسم؛

و قلبم را با لذّت عشق خود آبیاری کن.۲۷

فصل سوم

خدای من

!

درِ خانه تو جایی است که همه به آن رو کرده اند و با هزاران امید و آرزو به سویت آمده اند.

بندگانت به تو پناه آورده اند چرا که جز تو پناهگاهی نیست.

مگر ما خدایی به غیر تو داریم که به سوی او رو کنیم؟

مگر کسی هست که مایه امید ما باشد تا به او دل ببندیم؟

به عزتت قسم که من در درگاه تو جز بیچارگی ندارم که عرضه کنم، پس به بیچارگی ام رحم کن!

به بزرگیت سوگند که هرگز از درِ خانه تو نمی روم و آنقدر بر در این خانه می مانم تا مرا ببخشی و به من نگاه محبّت آمیز کنی.

من آن بخشش بزرگ تو را می خواهم!

من آن بزرگواری بی مثل و مانند تو را جستجو می کنم!۲۸

خدای من !

گاه با خود می گویم چگونه تو را بخوانم و صدایت زنم حال آنکه نافرمانی تو را کرده ام!

امّا به یاد می آورم که تو چقدر بخشنده و مهربانی، برای همین با دلی امیدوار تو را صدا می زنم.

گر چه گنهکارم امّا قلبی دارم که با عشق تو آشنا است!

گناهانم را به یاد می آورم و از تو می خواهم مرا ببخشی در حالی که اشک در چشمانم نشسته است، شاید که قبولم کنی!

من همان کسی هستم که هرگز از تو ناامید نشوم!

آن قدر صدایت می زنم تا جواب مرا بدهی و مهربانی را بر من ارزانی داری!۲۹

خدای من !

نمی دانم به کدام عمل خود، دل خوش باشم؟

در روز قیامت، آن وقت که در حضورت قرار گیرم، چاره ای ندارم جز آنکه سر خود را پایین گیرم و فقط به رحمت تو امیدوار باشم!

چرا که تو

خود به پیامبر فرمودی: «به بندگانم خبر ده که من بخشنده و مهربانم».

پس به همان رحمت تو، دل خوش دارم چرا که خوب می دانم رحمت تو بیش از غضب تو است و همین مرا بس است.

آیا تو مرا به حال خود رها می کنی، حال آنکه می دانی جز تو یاوری ندارم!

آیا روی خود را از من برمی گردانی، حال آنکه به روی مهربانت، دل خوش کرده ام؟۳۰

خدای من !

من از تو حیا نکردم و نافرمانیت کردم، حریم تو را پاس نداشتم و تو را فراموش کردم!

امّا چون بلایی به من رسید به فکر فرو رفتم که چگونه صدایت کنم، حال آن که در حضور تو گناه کرده ام.

امّا کسی جز تو نمی توانست، مشکل مرا حل کند و من خدایی جز تو نداشتم.

پس صدایت زدم و تو جوابم را دادی و مشکلم را حل نمودی!

تو بیچارگی مرا دیدی، به من رحم نمودی و مرا فراموش نکردی!

این خوبی تو را فراموش نمی کنم!

ای خدای خوب من!۳۱

خدای من !

اگر تو بخشنده و مهربان نبودی من هم گناه نمی کردم!

مگر تو نبودی که گفتی:

«هر کس صدایم زند جوابش می دهم؛

هر کس به درِ خانه ام بیاید به او نظر می کنم».

اکنون به درِ خانه تو آمده ام و صدایت می زنم!

آیا به وعده خود وفا نمی کنی؟!

تو با خوبی، شهره عالم شده ای و من هم با بدی!

آه! من چقدر گناهِ تو کردم و تو چقدر در حقّ من خوبی کردی!

اکنون که شرمنده تو هستم، از تو می خواهم که مرا ببخشی و از گناهان پاکم کنی.۳۲

خدای من !

چون به یاد می آورم

که تو مهربان و بخشنده هستی، غرق شادی می شوم!

امّا چون به یاد آن می افتم که عذاب تو برای گنهکاران شدید است، غمناک می شوم.

من میان این غم و شادی گرفتار شده ام.

از تو می خواهم مرا از این غم برهانی، از عذاب خود نجات دهی، این شادی را استمرار بخشی و از مهر خویش روزیم کنی.

اگر من شایسته مهربانی و عفو تو نیستم ولی خوب می دانم که رحمت تو آن قدر زیاد است که گوشه ای از آن شامل من هم شود.

از تو می خواهم تـا رحمت بی انتهـای خود را شامـل من هم بنمـایی! و دل مرا با مهربانیت شاد سازی که سـخت به مهربانی تو نیازمندم.۳۳

خدای من !

تو عشق به خودت را در قلبم قرار دادی، مرا شیفته خود کردی و به من مهربانی های زیادی نمودی!

امّا من به سوی دیدار تو نشتافتم، چرا که خود را به گناه آلوده کردم!

تو به من این همه مهربانی کردی امّا من از تو فرار کردم!

من خود به پرونده اعمالم نظری کردم و گناهان زیادی در آن یافتم پس چگونه با این همه گناه به دیدارت بشتابم!

امّا اگر تو از من راضی شوی و رحمت خود را بر من نازل کنی، پس خوشا به حال من!۳۴

تو همان خدایی هستی که خود را بخشنده و مهربان نام نهادی! اکنون من خواهان همان مهربانیِ تو هستم!

آیا مرا از آن محروم می کنی؟۳۵

خدای من !

تو همواره نعمت های خود را بر من نازل کردی و هر صبح و شام روزی مرا فرستادی!

تو از بس مهربان بودی، نگذاشتی من سختی بلا را ببینم و همه

بلاها را از من دور کردی!

تو اسباب آرامش مرا در زندگی فراهم نمودی و من فراموشت نمودم!

آن گاه تو هم کمی رهایم کردی وآن وقت بود که بلا آمد!

حالا فهمیدم که تو بودی که بلا را از من دور می کردی!

پس به یاد تو و مهربانی های تو افتادم!

تو را صدا زدم:

ای فریادرس! به فریادم برس!۳۶

خدای من !

از زیادی گناهانم متحیّر شده ام و نمی دانم چه کنم!

گناهانم دیگر برای من پیش تو آبرویی نگذاشته اند!

با چه رویی با تو سخن بگویم؟

چگونه صدایت بزنم، حال آنکه چنین گناهکارم و چگونه صدایت نزنم در حالی که تو بخشنده و مهربانی؟

چگونه غمگین نباشم چرا که نافرمانی تو کردم و چگونه شاد نباشم چرا که تو خدای منی و کریم و بزرگواری!

اگر تو به من رحم نکنی، چه کسی بر من رحم خواهد نمود؟

آیا مهربان دیگری را می شناسی تا من به درِ خانه او بروم؟

به خودت قسم، درِ خانه دیگری را نمی شناسم تا به آنجا پناه ببرم.

تو فقط پناه من هستی! تو فقط امید من هستی!۳۷

فصل چهارم

خدای من !

دلم گرفته است و نمی دانم چه کنم؟

چقدر از گناهان خود توبه کنم و دوباره به گناه آلوده شوم؟

عمرم را در دوری از تو تباه نمودم و اکنون بار گناه بر دوشم سنگینی می کند.

بیچاره ای هستم که به تو پناه آورده ام و کسی را جز تو ندارم.

من همچنان منتظر بخشش تو می مانم و هرگز از رحمتت ناامید نمی شوم.

من آن بنده گنهکارم که شرمنده روی تو گشتم.

نمی دانم آیا دیگر پیش تو آبرویی دارم یا نه.۳۸

خدای من !

یادم نرفته

است که تو توبه پدرم حضرت آدم(ع) را قبول کردی!

و گناه او را بخشیدی و او را از دوستان خود قرار دادی!

ای کسی که گناه پدرم را بخشیدی، گناه فرزند او را هم ببخش!

اکنون که شیطان وسوسه ام می کند و دشمن قسم خورده من است و تلاش می کند مرا از تو دور کند، تو مرا یاری کن که فقط با کمک تو می توانم از شرّ دشمنم نجات پیدا کنم.

تو کاری کن که همواره بندگیت در کامم شیرین باشد

و قلبم مملو از عشق تو باشد تا دیگر فریب شیطان را نخورم!۳۹

خدای من !

تو در قلبم یاد خود را الهام کردی، مرا به دعا کردن تشویق نمودی، دعوتم کردی تا صدایت بزنم و با تو سخن بگویم.

به درِ خانه ات آمده ام در حالی که جز زیبایی از تو انتظار ندارم!

آری، با هزاران امید به درِ خانه ات آمده ام و با تو خلوت کرده ام.

من با آرزویی بس بزرگ به سویت آمدم!

معصیت تو کردم امّا امید دارم که مرا ببخشایی!

پس ناامیدم مکن که جز تو امیدی ندارم.

ای کسی که هرگز امیدواران به خودش را ناامید نمی کند!۴۰

خدای من !

مگر عفو و بخشش از ویژگی های تو نیست!

چگونه تو را صدا نزنم و به بخشش تو دل نبندم، حال آنکه از تو جز مهربانی ندیدم.

من همان بنده ای هستم که دل از امید به تو بر نکندم با این که گناهکارم!

خودت بگو، گناهانم زیادتر است یا عفو و بخشش تو؟

با آن بخشش های بزرگت، گناهان بزرگ مرا ببخش!

تو همه را به سوی مهربانی خود دعوت کردی!

من آمده ام تا آن مهربانی تو را جویا

شوم.

آیا مرا از آن محروم می کنی؟۴۱

خدای من !

گناهان من هرگز نمی توانند از خوبی تو کم کنند!

از تو می خواهم آن گونه با من برخورد کنی که خود شایسته آن هستی زیرا می دانم که تو بخشنده و مهربانی.۴۲

اکنون که گناهانم زیاد است به دو چیز فکر می کنم:

اوّل اینکه تو چقدر از عذاب کردن من بی نیاز هستی!

دوّم اینکه من چقدر به عفو و بخشش تو نیازمند هستم!

به خودت قسم که بخشش گناهان من بر تو بسیار آسان است،

ای کسی که گناهان بندگانت به تو ضرری نمی زند!۴۳

خدای من !

تو خود مرا به مهربان بودن دستور دادی،

آیا می شود، تو فراموش کنی با من مهربان باشی؟

اگر گرفتار طوفان ناامیدی شوم، تمام وجودم نابود می شود، امّا در سایه مهربانیت، زنده می شوم!

پس نسیم مهربانیت را برای روح من بفرست تا بهاری شوم و دوباره زنده لطف تو گردم.

تو که اشک چشم مرا می بینی که به درگاهت فرو می ریزد!

چگونه باور کنم که اشک چشمم را ببینی و باز دلم را بشکنی و جوابم را ندهی؟۴۴

خدای من !

اگر راه زندگی خویش را گم کردم و به بیراهه رفتم، اکنون به تو پناه می آورم که تو پناه من هستی!

اگر دیروز به سوی نافرمانی تو گام برداشتم، امروز با سخن گفتن با تو در راه خوشبختی گام برمی دارم!

اگر توشه ام برای پیمودن مسیری که مرا به تو می رساند، کم است امّا امید به لطف تو دارم، چرا که هر کس به سوی تو بیاید در آغوش لطف

خویش قرارش می دهی!۴۵

پس بار دیگر به من مهربانی کن و مرا قبول کن!

ای مونس لحظه های تنهایی ام! و ای پناه قلب خسته ام!۴۶

خدای من !

تو تمام لذّت های دنیا را این گونه خلق کرده ای که چون به آنها برسم از آنها دلزده می شوم.

امّا فقط یک لذّت را از این قانون استثنا کرده ای و آن هم لذّت با تو بودن است!

هر بار که با تو مناجات می کنم، تو را بیشتر می خواهم، هیچ کس از با تو بودن سیر نمی شود.

چرا که زیبایی تو بی انتها است؛ خوبی و مهربانیت اندازه ندارد!

لذّت دائمی یاد خود را به کام این بنده شرمنده و امیدوارت بچشان.۴۷

خدای من !

مگر تو نبودی که مرا از ناامیدی برحذر داشتی و فرمودی:

«ای بندگان گهنکارم! از رحمت من ناامید نشوید که خدا همه گناهان را می بخشد».۴۸

پس چگونه تصوّر کنم که مرا ناامید کنی؟

چرا جواب مرا نمی دهی؟

نکند که گناهانم مانع می شوند تا صدای من به تو برسد؟

اگر گناه نمی گذارد که دعایم مستجاب شود، خوب می دانم که هیچ چیز نمی تواند بین من و عفو تو فاصله بیاندازد.۴۹

فصل پنجم

خدای من !

وقتی نافرمانی تو کردم و به گناه آلوده شدم به عفو تو امید داشتم، چرا که پیش از آن عفو و رحمت تو را دیده بودم.

چون من مهربانی تو را دیده بودم، جرأت کردم که گناه کنم، اگر از زود عصبانی شدنت هراس می داشتم، از گناه دوری می

کردم!

بندگانت همه فقیر و محتاج تو هستند ولی من از همه به تو محتاج تر هستم، چرا که گناهانم را کسی جز تو نمی بخشد!

اکنون چه

کنم؟ و به کجا بروم؟

کیست که این بنده شرمنده را قبول کند جز خود تو؟

تو خدای من هستی و من به مهربانی تو دل خوش کرده ام!۵۰

خدای من !

من کیستم که تو بخواهی بر من غضب کنی؛

من کیستم که تو مرا عذاب کنی؛

من در دستگاه با عظمت تو، ذرّه ای بیش نیستم ولی تو در اوج عظمت و جلالی!

تو چگونه با آن همه بزرگی و عظمت می خواهی یک ذرّه را عذاب کنی؟

تو به عبادت و بندگی من نیاز نداری امّا من به مهربانی تو سخت نیازمندم.

اگر تو مرا تنها گذاری، کیست که مرا یاری کند؟

اگر تو مایه آرامش من نشوی، چه کسی می تواند این قلب آشفته را آرام کند؟۵۱

خدای من !

تو بزرگواری و بس کریم!

چون بزرگواران بخواهند عطایی کنند به کرم خود نگاه می کنند، نه به شایستگی دیگران!

من شایستگی مهربانی تو را ندارم امّا به کرم تو چشم دوخته ام!

گر چه با گناهانی که انجام داده ام رویم سیاه است امّا از تو می خواهم که هیچ گاه رویت را از من برنگردانی.

چرا که خود می دانی که بنده ات فقط به مهر تو دل بسته است!

بنده تو به خودت امید دارد و می داند که اگر به غیر تو دل خوش دارد، ناامید خواهد شد.۵۲

خدای من !

اگر چه گاهی در بندگی تو کوتاهی می کنم ولی نافرمانی تو را دشمن می دارم.۵۳

اگر قرار باشد که تو فقط به بندگان خوبت نگاه کنی پس گنهکاران به کجا پناه ببرند و با که سخن بگویند!۵۴

مرا از کسانی قرار ده که صدایشان زدی و آنها نیز

به سوی تو آمدند.۵۵

بـار خـدایا! چگـونه از درِ خـانه تـو بـا ناامیـدی برگردم، حـال آن که آرزو داشـتم که چون به سوی تو رو کنم بـا مهربـانی مرا بپذیری.۵۶

خدای من !

به این فکر بودم که من گدای درِ خانه تو نیستم!

چرا که گـدایان چون از کسـی جواب رد بشـنوند، دل کنـده و به جای دیگر می روند و امید دارند کس دیگری به آنها توجّه کند.

امّا تو خود می دانی من جای دیگری ندارم که بروم.

کجا بروم وقتی جز تو پناهی ندارم!۵۷

اگر در جهنّم مرا جای دهی در آن جا پرده از راز درون خود برمی دارم و به همه می گویم که تو را دوست دارم.۵۸

خدای من !

یک آرزو به دل دارم که عمری است آن را از تو می خواهم؛

هر روز و هر شب آن را از تو طلب می کنم؛

مرا به آرزویی که عمرم را به پای آن گذاشته ام برسان که آن آرزو همان رضایت و بخشش تو است.۵۹

به من نعمت های زیادی داده ای که من نمی توانم آنها را بشمارم.

اکنون از تو می خواهم تـا لطف خود را بر من کامل کنی و بخشـش خودت را به من کرم کنی تا نعمت تو بر من تمام و کمال باشد.۶۰

خدای من !

اگر می بینی با این همه گناه و معصیت، به عفو تو امید دارم برای این است که بزرگواری تو را به چشم خود دیده ام.

وقـتی بـا خـودم خلوت می کنم بـا خود می گویم که تو مرا می بخشـی و به خود مژده عفو تو را می دهم، پس به بزرگواریت امیدم را ناامید مکن!۶۱

من گدای درِ خانه توام

و جای دیگر نمی روم.

خوب می دانم که تا به حال کسی را از درِ خانه خود نااامید نکرده ای!

تو بودی که مرا با خودت آشنا ساختی و اجازه ام دادی تا با تو سخن بگویم.

اگر تو مرا با عفو و بخشش خود آشنا نمی کردی، من هم امیدوار نمی شدم، اکنون که خود، امیدوارم کرده ای، آیا دلم را می شکنی؟۶۲

خدای من !

با این همه مهربانی ها که از تو سراغ دارم اگر از تو طلب عفو نکنم، خطا کرده ام، چرا که تو بخشنده و مهربانی و گناهان بندگان خود را می بخشی!

تو از من بی نیازی و به من این همه مهربانی می کنی و من این قدر به تو نیازمندم و نافرمانیت می کنم!

از تو می خواهم، آرامش قلبم را در گرو یاد خودت قرار دهی و مرا یاری کنی تا از گناه فاصله بگیرم.

از تو می خواهم، تمام وجودم را متوجّه خود بنمایی و در وجود من اشتیاق به کارهای زیبا را قرار دهی و همچون بندگان خوبت، همواره از من راضی و خشنود باشی!۶۳

خدای من !

هرگز بنده خدایی غیر از تو نبوده ام، که اکنون به درِ خانه او بروم!

کدامین مولا به غیر تو به من مهربانی کرده است که اکنون از او بخواهم بار دیگر مهربانی کند؟

من جز تو مولا و آقایی ندارم!

من خدایی جز تو نمی شناسم!

اگر تو جواب مرا ندهی من چه کنم؟ کجا بروم؟

با هزاران امید به درِ خانه تو رو کرده ام!

می دانم که هرگز امید کسی را که جز تو کسی را ندارد، ناامید نمی کنی؟۶۴

فصل ششم

خدای من !

وقتی که تو را دارم، همه

چیز دارم ولی بدون تو هیچ ندارم!۶۵

ممنون توام که با یاد خودت آرامش را به من عطا کردی!

به راستی که زندگی برای کسی که مونسی چون تو نداشته باشد، چقدر سخت می گذرد!

تو هستی که در مسیر زندگی راهنمای من هستی، دستم می گیری و به سوی خود هدایتم می کنی.۶۶

به اعمال خود نگاه کردم و آن را بسیار ناچیز دیدم؛

به خودم نظر کردم، دیدم که ضعیف تر از آنم که بتوانم شکر یکی از هزاران نعمت تو را بجای آورم.

به ناچیزی اعمالم نگاه مکن، بزرگی مقام خود را ببین.۶۷

خدای من !

تاکنون کدامین امیدوار را ناامید کرده ای که من ناامید شوم؟

کدامین گدای درِ خانه ات را بی جواب گذاشته ای که من از تو دل برکنم؟

تو خود مرا به دعا کردن، دعوت کرده ای و وعده ام داده ای که صدایم را بشنوی و دعایم را اجابت کنی!۶۸

اگر مرا به خودم واگذاری هلاک می شوم.

و شیطان و هوای نفس بیچاره ام می کنند.

اگر مرا به درِ خانه غیر خود بفرستی، باعث خواری من شده ای، چرا که فقط گداییِ درِ خانه تو است که عزّت می آرود و افتخار!۶۹

خدای من !

موقعی که غصّه ندارم و ایّام به کامم است، تو را فراموش می کنم و هرگاه که برایم مشکل پیش آمد و همه ناامیدم کردند به سوی تو می آیم.

امّا از تو می خواهم که کاری کنی همیشه و در همه حال با تو باشم.

در روزهای خوشی ام نیز همنشین یاد تو باشم.۷۰

خودم خوب می دانم که شایسته نیستم، حتّی صدایم را بشنوی چه رسد که جوابم را بدهی.

امّا تو در قرآن فرمودی که مرا بخوانید و وعده فرمودی که جواب

می دهی.

اکنون تو را می خوانم و صدایت می زنم، پس تو هم به وعده ات وفا کن.۷۱

خدای من !

وقتی به خودم نظر می کنم، شرمنده می شوم چون نافرمانی تو کرده ام امّا چون به تو فکر می کنم، شاد می شوم، چرا که از تو جز زیبایی و مهربانی ندیده ام.

دیدی که من نافرمانیت می کنم امّا باز هم به من مهربانی ها کردی و همواره روزی و نعمت خود را بر من ارزانی داشتی.

من تو را فراموش کرده بودم امّا تو همچنان به من لطف داشتی.

گناهم را پرده پوشی کردی و مردم را از بدیم آگاه نکردی.

به خودت قسم که تو بهترین مولا هستی و من بدترین بنده!۷۲

خدای من !

ای کسی که از همه به من مهربان تری!

ای کسی که در تنهایی هایم به تو پناه می آورم۷۳

اگر قرار باشد که تو فقط جواب بندگان خوبت را بدهی پس گنهکاران چه کنند؟ به درِ خانه چه کسی بروند؟ مگر آنها خدایی جز تو دارند؟

مگر تو خودت دستور ندادی که ما به یکدیگر مهربانی کنیم پس چه کسی در مهربانی کردن شایسته تر است؟۷۴

به من نگاه کن و رویت را از من برمگردان

که تو خود می دانی که من به مهربانی تو نیازمندم!۷۵

خدای من !

در فکر آن بودم که چه چیزی را در درگاه تو واسطه و شفیع خود قرار دهم تا تو قبولم کنی.

ناگهان به یاد آن افتادم که عشق تو به سینه دارم پس همان را واسطه بین خود و تو قرار دادم.۷۶

بزرگی تو بیش از این است که بخواهی مرا عذاب کنی.۷۷

ای کسی که گناهان را می بخشی

و توبه بندگان را قبول می کنی!

کجاست آن مهربانی های زیاد تو؟۷۸

ای روشنی چشم من!

می دانم هر کس که تو را دوست بدارد، دوستش می داری.۷۹

خدای من !

من آن کسی هستم که گناهان بزرگی انجام داد؛

من از تو حیا نکردم؛

شیطان فریبم داد و من نافرمانیِ تو را نمودم؛۸۰

اکنون سخت شرمنده تو هستم و تو آن کسی هستی که همواره به من خوبی کردی و گناهم را بخشیدی.

آرزوهای مرا برآورده ساختی و دعایم را مستجاب کردی؛

نعمت های فراوان به من دادی و مرا پیش دیگران عزیز کردی و بلاها را از من دور ساختی و همواره یاورم بودی.۸۱

خدای من !

بر قلبم الهام شده است که تو خیلی آقا و بزرگواری!

دیگر فهمیده ام که رحمت تو بسیار زیاد است.

برای همین هرگز از درِ خانه تو نمی روم!

آن قدر درِ خانه تو را می زنم؛

آن قدر صدایت می کنم تا دلت به رحم آید، چرا که جای دیگری را نمی شناسم که به آن جا پناه ببرم!

فقط و فقط درِ این خانه را می شناسم.

فهمیده ام که هیچ کس از درِ این خانه ناامید برنگشته است.

به مهربانی تو دل بسته ام و منتظر می مانم تا نگاهم کنی!۸۲

خدای من !

با یاد تو، این دل من زنده است و با سخن گفتن با تو می توانم ترس و وحشت را از خود دور کنم.

ای مولای من! ای امید من! و ای نهایت آرزوی من!

می دانم که تو مهربـان بودن را بر خود لازم کرده ای، پس به آن مهربـانیت، تو را قسم می دهم، گناهم را ببخش و توبه ام را بپذیر.

کاری کن که هرگز تو

را از یاد نبرم!

قلب مرا خلوتگاه محبّت خود ساز و وجود مرا با یاد خود بار دیگر زنده کن.

ای بهار دل من!۸۳

خدای من !

چقدر توبه کردم و دوباره گناه کردم!

اکنون از آن توبه های خود توبه می کنم.۸۴

اگر تو نگاهم نکنی، من کجا بروم؟

اگر تو رحمم نکنی، چه کسی را دارم که به من رحم کند؟

اگر تو مرا ناامیدم کنی به چه کسی دل خوش کنم؟

با آن که گناهانم زیاد است امّا فقط به عفو تو اندیشه دارم.

می دانم، خواهان چیزی هستم که لیاقت آن را ندارم و این را هم می دانم که تو اهل بخشش و مهربانی هستی!۸۵

خدای من !

آرزویی دارم که فقط تو می توانی آن را برآورده کنی.

حاجتی دارم که فقط تو می توانی آن را به من بدهی!۸۶

به عزتت قسم اگر مرا از درِ خانه ات برانی، جای دیگری نمی روم.

چگونه باور کنم که تو امیدم را ناامید می کنی!

من به تو امید زیادی دارم!

آری، نافرمانی تو کردم و اکنون امید دارم که مرا ببخشی!

چرا که من تو را به بزرگواری و آقایی می شناسم.۸۷

خدای من !

از وقتی که تو را شناختم، تو را به مهربانی و زیبایی شناختم.

آری، تو به بخشیدنِ من عادت کرده ای.

پس بار دیگر بزرگواری کن و گناهم را ببخش!۸۸

تو چقدر با نعمت هایت با من مهربانی می کنی با این که از من بی نیازی! و من چقدر نافرمانی تو را می کنم، حال آن که سخت به تو محتاجم!۸۹

تا به حال کدامین امیدوار را ناامید کرده ای تا من ناامید شوم؟

کدام گدا از درِ خانه ات، دست خالی برگشته است

که من نفر دوّم باشم؟

تو وعده کرده ای که دعای دعاکننده را مستجاب کنی و باور دارم به وعده ات وفا می کنی!۹۰

فصل هفتم

خدای من !

به چه کسی پناه ببرم اگر تو پناهم ندهی؟

به دنبال عفو چه کسی بروم اگر تو مرا نبخشی؟

به که دل ببندم اگر تو دلم را بشکنی؟

به که امیدوار گردم اگر تو ناامیدم کنی؟۹۱

از همه جا ناامید شده و به درگاه تو رو کرده ام.

از تو می خواهم تو دیگر ناامیدم نکنی.۹۲

توبه ای روزیم کن که پس از آن شایسته دوستی تو گردم و در زمره بندگان خوب تو قرار گیرم.۹۳

خدای من !

از دانشی که برایم فایده نداشته باشد و از دعایی که مستجاب نشود به تو پناه می برم!۹۴

من از شرّ نفس خویش به تو پناه می برم!

بار خدایا! مرا لحظه ای و کمتر از لحظه ای به خود وامگذار.

چرا که اگر لطف تو یک لحظه از من فاصله گیرد دیگر روی سعادت را نخواهم دید.

ای کسی که من همواره در سایه لطف تو بوده ام!

باز هم، لطف و مهربانی خویش را از من دریغ مدار که من به مهربانی تو نیازمندم.۹۵

خدای من !

بـا تمـام وجود به تو روی آورده ام و از مردمی که نیازمنـد عطای تو هسـتند روی گردانـده ام، چرا که هر کس از غیر تو طلب

کرد، ناامید شد.

اکنون به سوی تو آمده ام و به عطای تو دل بسته ام.۹۶

چگونه می شود کسی را که فقط امیدش به تو است، ناامید کنی!

ای کسی که هنوز من تو را نمی شناختم و تو با من مهربانی ها نمودی!

یادم نمی رود که چه بسیار وقت ها من

دعا نکرده بودم که تو حاجتم را دادی!

اکنون که تو را می خوانم، چگونه می شود دعایم را بی پاسخ گذاری!۹۷

خدای من !

این جایگاه کسی است که شیطان او را فریب داده است و گنهکار است.

اکنون با دلی امیدوار و رویی شرمسار به سوی تو آمده ام و در مقابل عظمت تو ایستاده ام.

چشم خود به زمین دوخته ام، چرا که شرمسار توام.

تو خدایی هستی که بخشش گناهان در نظرت بزرگ نمی نماید.

پس ببخش گناه کسی را که گناهش به تو ضرر نمی زند!

که تو بخشنده و مهربانی!۹۸

خدای من !

تو را می خوانم، چرا که خود مرا به دعا کردن فرا خواندی.

تو خود در قرآن فرمودی که توبه توبه کنندگان را می پذیری!

می دانم که تو توبه کنندگان را دوست داری و آنان را به سوی خود دعوت کردی، پس توبه ام را قبول کن و از گناهانم درگذر!

مرا دوست داشته باش که من محتاج مهربانی توام!

این توبه مرا به گونه ای قرار ده که دیگر بعد از آن توبه نکنم؛

توبه ای که بعد از آن دیگر هرگز گردِ گناه نگردم!۹۹

خدای من !

اگر پشیمانی به درگاه تو، توبه حساب می شود، من از همه پشیمان ترم؛

اگر استغفار باعث می شود تا از گناهانم درگذری من همواره استغفار می کنم؛

اگر دلِ شکسته به درگاهت خریدار دارد، ببین که اشک چگونه قلبم را شکسته است!

تو مرا به توبه کردن، امر کردی و قول دادی که توبه مرا قبول کنی؛

پس توبه مرا قبول کن و هرگز از رحمتت ناامیدم مکن

که تو بخشنده و مهربانی!۱۰۰

خدای من !

تو بودی که دری به

سوی بخشش خود باز کردی و آن را درِ توبه نام نهادی و همگان رابه سوی آن دعوت کردی تا رحمت خویش بر آنان نازل کنی!

تو خود فرمودی که مرا یاد کنید تا شما را یاد کنم!

ای کسی که بندگان خود را غرق عطا و بخشش خویش نموده ای!

پس تو را می خوانم و از تو هیچ نمی خواهم جز این که مرا یاد کنی!

چرا که یاد تو از من بالاتر است.۱۰۱

خدای من !

می دانم که درِ رحمت تو بر روی همه باز است؟

به راستی که چقدر زود به فریاد بیچارگان می رسی و از آنان دستگیری می کنی.

همیشه عادت تو بر این بوده است که بر گنهکاران نیکویی کنی و با مهربانی با آنان برخورد کنی.۱۰۲

اینک منم که به درگاه تو رو کرده ام و از تو انتظار مهربانی دارم پس صدایم را بشنو و دعایم را مستجاب کن

و دست رد به سینه ام مزن!۱۰۳

خدای من !

نگاهم کن که چگونه به درگاه تو آمده ام، در حالی که خوار و ذلیل و بیچاره ام.

من به عفو تو پناه آورده ام و به رحمت تو دل بسته ام.

می دانم که غیر از تو کسی مرا از شرّ گناهانم امان نمی دهد.

ای کسی که از لغزش بندگانِ خویش می گذری!

ای کسی که صدای همه بندگان خویش را می شنوی!

ای کسی که از حال زار من خبر داری!

مرا از در خانه خویش ناامید برمگردان!۱۰۴

خدای من !

از تو می خواهم که راز و نیاز با خودت را در در نظرم زیبا جلوه دهی تا شب و روز با تو خلوت کنم و با تو

سخن بگویم.۱۰۵

کاری کن که اطاعت و بندگیت برایم لذّت بخش باشد.

قلب مرا از همه ناپاکی ها پاک ساز.

رحمت بزرگ خویش را بر من نازل کن تا با آن بتوانم به خیر دنیا و آخرت برسم.

نور ایمان را در قلبم ثابت قرار ده.

عاقبت امرِ مرا ختم به خیر بفرما!۱۰۶

خدای من !

چقدر نعمت های فراوان به من ارزانی داشتی؛

چقدر بلاهای جانکاه را از من دور نمودی؛

تو بودی که در لحظات سخت به یاریم شتافتی و دعایم را مستجاب نمودی.

اگر یاری تو نبود، من بیچاره شده بودم.

چگونه شکر تو کنم که هر گاه تو را خواندم تو را آماده شنیدنِ دعای خویش یافتم!

ای پناه من! ای امید من!۱۰۷

خدای من !

همیشه با نعمت های فراوان تو همراه بوده ام.

تو چقدر گناهان مرا با حلم خویش پوشاندی!

و چقدر بلاها را از من دور ساختی!

برای همین است که از تو فقط انتظار بزرگی و آقایی دارم!

من از گناهانم استغفار می کنم، در حالی که از کرده خویش پشیمان هستم.

ای کسی که نام تو بخشنده و مهربان است!

توبه ام قبول کن و صدایم را بشنو و ناامیدم مکن!

ای کسی که توبه کنندگان را دوست داری!۱۰۸

خدای من !

اگر گناهانم دیگر آبرویی برای من نگذاشته اند؛

اگر خطاهایم نمی گذارند تا صدایم به تو برسد؛

پس تو را به حقّ آن کس که او را بیش از همه کس دوست داری، قسم می دهم؛

تو را به حقّ فرستاده خودت محمّد مصطفی و اهل بیت(ع) او می خوانم تا توبه ام را قبول کنی که من می دانم هیچ کس را به اندازه آنها دوست نداری.

پس به حقّ آن عزیزانت

تو را قسم می دهم تا گناهم را ببخشی و مرا قبول نمایی.۱۰۹

منابع

۱ الاختصاص ، المنسوب إلی أبی عبد اللّه محمّد بن محمّد بن النعمان العُکبری البغدادی المعروف بالشیخ المفید (ت ۴۱۳ ه) ، تحقیق : علی أکبر الغفّاری ، بیروت : دار المفید للطباعه والنشر والتوزیع ، الطبعه الثانیه، ۱۴۱۴ ه .

۲ إقبال الأعمال، السیّد ابن طاووس، (ت ۶۶۴ ه)، تحقیق: جواد القیّومی الإصفهانی، قم : مکتب الإعلام الإسلامی، الطبعه الأولی.

۳ الأمالی ، أبو جعفر محمّد بن الحسن المعروف بالشیخ الطوسی (ت ۴۶۰ ه) ، تحقیق : مؤسّسه البعثه ، قمّ : دارالثقافه ، الطبعه الأولی ، ۱۴۱۴ ه .

۴ الأمالی ، أبو عبد اللّه محمّد بن محمّد بن النعمان العُکبری البغدادی المعروف بالشیخ المفید (ت ۴۱۳ ه) ، بیروت : دار المفید للطباعه والنشر والتوزیع، الطبعه الثانیه ، ۱۴۱۴ ه .

۵ الأمالی ، محمّد بن علی بن بابویه القمّی (الشیخ الصدوق) (ت ۳۸۱ ه) ، تحقیق : مؤسّسه البعثه ، قمّ : مؤسّسه البعثه ، الطبعه الأولی ، ۱۴۱۷ ه .

۶ بحار الأنوار الجامعه لدرر أخبار الأئمّه الأطهار علیهم السلام ، محمّد باقر بن محمّد تقی المجلسی (ت ۱۱۱۰ ه) ، تحقیق : دار إحیاء التراث ، بیروت : دار إحیاء التراث ، لطبعه الأولی ، ۱۴۱۲ ه .

۷ تفسیر القمّی، علی بن إبراهیم القمّی، (ت ۳۲۹ ه)، تحقیق: السیّد طیّب الموسوی الجزائری، قمّ : منشورات مکتبه الهدی، الطبعه الثالثه، ۱۴۰۴ ه .

۸ تفسیر نور الثقلین ، عبد علیّ بن جمعه العروسیّ الحویزیّ (ت ۱۱۱۲ ه) ، تحقیق: هاشم الرسولیّ المحلاّتیّ ، قمّ : مؤسّسه إسماعیلیان ، الطبعه الرابعه

، ۱۴۱۲ ه .

۹ تهـذیب الکمـال فی أسـماء الرجال ، یونس بن عبـد الرحمن المزّیّ (ت ۷۴۲ ه . ق) ، تحقیـق : الـدکتور بشّـار عوّاد معروف ، بیروت : مؤسّسه الرساله ، الطبعه الاُولی ۱۴۰۹ ه .

۱۰ التهذیب (تهذیب الأحکام فی شـرح المقنعه) ، أبو جعفر محمّد بن الحسن المعروف بالشیخ الطوسیّ (ت ۴۶۰ ه) ، طهران : دار الکتب الإسلامیه ، الطبعه الثالثه، ۱۳۶۴ ش .

۱۱ جامع أحادیث الشیعه، السیّد البروجردی (۱۳۸۳ه)، قمّ : المطبعه العلمیه.

۱۲ الجامع الصـغیر فی أحادیث البشیر النذیر ، جلال الدین عبد الرحمن بن أبی بکر السیوطی (ت ۹۱۱ ه) ، بیروت : دار الفکر ، الطبعه الأولی .

۱۳ جمال الاُسـبوع بکمال العمل المشـروع ، رضـی الدین علی ین موسـی بن جعفر بن محمّد بن طاووس الحسـنی الحسینی (ت ۶۶۴ ه) ، تحقیق جواد قیّومی ، قمّ : مؤسّسه الآفاق ، الطبعه الأولی ، ۱۳۷۱ ه .

۱۴ الخصال ، أبو جعفر محمّد بن علیّ بن الحسـین بن بابویه القمّی المعروف بالشـیخ الصدوق (ت ۳۸۱ ه) ، تحقیق : علی أکبر الغفّاری ، قمّ : منشورات جماعه المدرّسین فی الحوزه العلمیه .

۱۵ دستور معالم الحکم، ابن سلامه، (ت ۴۵۴ ه)، قمّ : مکتبه المفید ، الطبعه الأولی.

۱۶ دعائم الإسلام وذکر الحلال والحرام والقضایا والأحکام ، أبو حنیفه النعمان بن محمّد بن منصور بن أحمد بن حیّون التمیمی المغربی (ت ۳۶۳ ه) ، تحقیق : آصف بن علی أصغر فیضی ، مصر : دارالمعارف ، الطبعه الثالثه ، ۱۳۸۹ ه .

۱۷ الدعوات ، أبو الحسین سعید بن عبد اللّه الراوندی المعروف بقطب الدین الراوندی

(ت ۵۷۳ ه) ، تحقيق : مؤسّسه الإمام المهدى (عج) ، قمّ : مؤسّسه الإمام المهدى عج ، الطبعه الأولى ، ۱۴۰۷ ه .

۱۸ روضه الواعظين ، محمّد بن الحسن بن على الفتّال النيسابورى (ت ۵۰۸ ه) ، تحقيق : محمّد مهدى الخرسان، قمّ : منشورات الشريف الرضى .

۱۹ سنن ابن ماجه ، أبو عبد اللّه محمّد بن يزيد بن ماجه القزوينى (ت ۲۷۵ ه) ، تحقيق : محمّد فؤاد عبد الباقى ، بيروت : دار إحياء التراث ، الطبعه الأولى ، ۱۳۹۵ ه .

۲۰ السنن الكبرى ، أبو بكر أحمد بن الحسين بن علىّ البيهقى (ت ۴۵۸ ه) ، تحقيق : محمّد عبد القادر عطا ، بيروت : دارالكتب العلميه ، الطبعه الأُولى ، ۱۴۱۴ ه .

۲۱ سنن النسائى، أبو عبد الرحمن أحمد بن شعيب بن على بن بحر النسائى (ت ۳۰۳ ه)، بيروت : دار الفكر للطباعه والنشر والتوزيع، الطبعه الأولى، ۱۳۴۸ ه .

۲۲ شرح نهج البلاغه، ابن أبى الحديد، (۶۵۶ه)، تحقيق: محمّد أبو الفضل إبراهيم، مؤسّسه مطبوعاتى إسماعيليان، قمّ بالأوفسيت عن طبعه دار إحياء الكتب العربيه.

۲۳ صحيفه الرضا، جمع : جواد القيّومى الإصفهانى (معاصر) ، قمّ : مؤسّسه النشر الإسلامى التابعه لجماعه المدرسين .

۲۴ العدد القويه رضى الدين على بن يوسف الحلّى (ق ۸ ه) ، تحقيق : مهدى الرجائى ، قمّ : مكتبه آيه اللّه المرعشى العامّه ، ۱۴۰۸ ه .

۲۵ عدّه الداعى و نجاه الساعى ، أبو العبّاس أحمد بن محمّد بن فهد الحلّى الأسدى (ت ۸۴۱ ه) ، تحقيق : أحمد موحّدى ، طهران : مكتبه وجدانى .

۲۶ عون المعبود (شرح

سنن أبی داوود) ، محمّد شمس الحقّ العظیم الآبادی (ت ۱۳۲۹ه) ، بیروت : دار الکتب العلمیه، الطبعه الأولی ، ۱۴۱۵ ه .

۲۷ فضل الکوفه ومساجدها، محمّد بن جعفر المشهدی (ق ۶ ه)، تحقیق محمّد سعید الطریحی، بیروت : دار المرتضی.

۲۸ فلاح السائل ، رضی الدین علی ین موسی بن جعفر بن محمّد بن طاووس الحسنی الحسینی (ت ۶۶۴ ه)

۲۹ الکافی ، أبو جعفر ثقه الإسلام محمّد بن یعقوب بن إسحاق الکلینی الرازی (ت ۳۲۹ ه) ، تحقیق : علی أکبر الغفّاری ، طهران : دار الکتب الإسلامیه ، الطبعه الثانیه ، ۱۳۸۹ ه .

۳۰ کتاب من لا یحضره الفقیه ، أبو جعفر محمّد بن علیّ بن الحسین بن بابویه القمّی المعروف بالشیخ الصدوق (ت ۳۸۱ ه) ، تحقیق : علی أکبر الغفّاری ، قمّ : مؤسّسه النشر الإسلامی .

۳۱ کنز العمّال فی سنن الأقوال والأفعال ، علی المتّقی بن حسام الدین الهندی (ت ۹۷۵ ه) ، تصحیح : صفوه السقّا ، بیروت : مکتبه التراث الإسلامی ، ۱۳۹۷ ه ، الطبعه الأولی.

۳۲ کنز الفوائد، أبو الفتح محمّد بن علی الکراجکی (ت ۴۴۹ ه) .

۳۳ مجمع الزوائد ومنبع الفوائد ، نور الدین علیّ بن أبی بکر الهیثمی (ت ۸۰۷ ه) ، تحقیق : عبد اللّه محمّد درویش ، بیروت : دار الفکر ، الطبعه الاُولی ، ۱۴۱۲ ه .

۳۴ المزار ، محمّد بن المشهدی (ت ۶۱۰)، تحقیق: جواد القیّومی، قمّ : مؤسّسه النشر الإسلامی الطبعه الأولی، ۱۴۱۹ ه.

۳۵ المزار ، محمّد مکّی العاملی الجزینی الشهیر بالشهید الأوّل (ت۷۸۶ ه) ، تحقیق ونشر : مدرسه الإمام

المهدی قمّ الطبعه الأولی ، ۱۴۱۰ ه .

۳۶ مستدرک الوسائل، المیرزا النوری، (۱۳۲۰ه)، قمّ : مؤسّسه آل البیت علیهم السلام لإحیاء التراث، الطبعه الأولی، ۱۴۰۸ ه .

۳۷ المستدرک علی الصحیحین ، أبو عبد اللّه محمّد بن عبد اللّه الحاکم النیسابوری (ت ۴۰۵ ه)، إشراف: یوسف عبد الرحمن المرعشلی، طبعه مزیده بفهرس الأحادیث الشریفه.

۳۸ مسند أبی یعلی، أبو یعلی الموصلی، (۳۰۷ه)، تحقیق : حسین سلیم أسد، دار المأمون للتراث.

۳۹ مسند أحمد ، أحمد بن محمّد بن حنبل الشیبانی (ت ۲۴۱ ه) ، بیروت : دار صادر.

۴۰ مسند الرضا، روایه : داوود بن سلیمان الغازی (ت ۲۰۳ ه) ، تحقیق : أحمد جواد حسین الجلالی ، قمّ : مرکز النشر التابع لمکتب الإعلام الإسلامی .

۴۱ مسند الشامیّین، سلیمان بن أحمد الطبرانی، (ت ۳۶۰ ه)، تحقیق: حمدی عبد الحمید السلفی ، بیروت : مؤسّسه الرساله، الطبعه الثانیه، ۱۴۱۷ ه .

۴۲ المصباح، الشیخ الکفعمی، (ت ۹۰۵ ه)، بیروت : مؤسّسه الأعلمی للمطبوعات ، الطبعه الثالثه، ۱۴۰۳ ه .

۴۳ مصباح المتهجّد، أبو جعفر محمّد بن الحسن المعروف بالشیخ الطوسی (ت ۴۶۰ ه) ، بیروت : مؤسّسه فقه الشیعه، الطبعه الأولی .

۴۴ المعجم الکبیر ، أبو القاسم سلیمان بن أحمد اللخمیّ الطبرانیّ (ت ۳۶۰ ه) ، تحقیق : حمدی عبد المجید السلفی ، بیروت : دار إحیاء التراث العربی ، الطبعه الثانیه ، ۱۴۰۴ ه .

۴۵ مفتاح الفلاح ، بهاء الدین محمّد بن الحسین بن عبد الصمد الحارثی الهمدانی العاملی المعروف بالشیخ البهائی ، بیروت : مؤسّسه الأعلمی للمطبوعات .

۴۶ مکارم الأخلاق ، أبو علی الفضل بن الحسن الطبرسی (ت ۵۴۸ ه)

، تحقیق : علاء آل جعفر ، قمّ : مؤسّسه النشر الإسلامی ، الطبعه الاُولی ، ۱۴۱۴ ه .

۴۷ وسائل الشیعه إلی تحصیل مسائل الشریعه ، محمّد بن الحسن الحرّ العاملی (ت ۱۱۰۴ه) ، تحقیق : مؤسّسه آل البیت لإحیاء التراث ، قمّ ، الطبعه الأولی ، ۱۴۰۹ ه .

نویسنده، کتب، ناشر

ارتباط با نویسنده

اشاره

دوستان خوبم! دوست دارم نظر شما را درباره این کتاب بدانم، نظر شما، سرمایه من است.

پیامک خود را به سامانه پیام کوتاه من به شماره ۳۰۰۰۴۵۶۹ بفرستید.

شما را دوست دارم و فقط به عشق شما می نویسم.

سامانه پیام کوتاه ۳۰۰۰۴۵۶۹

سایت www.hasbi.ir

ایمیل khodamian@yahoo.com

درباره نویسنده

دکتر مهدی خُدّامیان آرانی به سال ۱۳۵۳ در شهرستان آران و بیدگل اصفهان دیده به جهان گشود. وی در سال ۱۳۶۸ وارد حوزه علمیّه کاشان شد و در سال ۱۳۷۲ در دانشگاه علامه طباطبائی تهران در رشته ادبیات عرب مشغول به تحصیل گردید.

ایشان در سال ۱۳۷۶ به شهر قمّ هجرت نمود و دروس حوزه را تا مقطع خارج فقه و اصول ادامه داد و مدرک سطح چهار حوزه علمیّه قم (دکترای فقه و اصول) را أخذ نمود.

موفقیّت وی در کسب مقام اوّل مسابقه جهانی کتاب رضوی بیروت در تاریخ ۸۸/۸/۸ مایه خوشحالی هموطنانش گردید و اوّلین بار بود که یک ایرانی توانست در این مسابقات، مقام اوّل را کسب نماید.

بازسازی مجموعه هشت کتاب از کتب رجالیّ شیعه از دیگر فعالیّت های پژوهشی این استاد است که فهارس الشیعه نام دارد، این کتاب ارزشمند در اوّلین دوره جایزه شهاب، چهاردهمین دوره کتاب فصل و یازدهمین همایش حامیان نسخ خطّی به رتبه برتر دست یافته است و در سال ۱۳۹۰ به عنوان اثر برگزیده سیزدهمین همایش کتاب سال حوزه انتخاب شد.

دکتر خدّامیان هرگز جوانان این مرز و بوم را فراموش نکرد و در کنار فعالیّت های علمی، برای آنها نیز قلم زد. او تاکنون بیش

از ۵۰ کتاب فارسی نوشته است که بیشتر آنها جوایز مهمّی در جشنواره های مختلف کسب نموده است. قلم روان، بیان جذاب و همراه بودن با مستندات تاریخی – حدیثی

از مهمترین ویژگی این آثار می باشد.

آثار فارسی ایشان با عنوان «مجموعه اندیشه سبز» به بیان زیبایی های مکتب شیعه می پردازد و تلاش می کند تا جوانان را با آموزه های دینی بیشتر آشنا نماید. این مجموعه با همّت انشارات وثوق به زیور طبع آراسته شده است.

کتب نویسنده

کتب فارسی

اشاره

ناشر همه کتاب های فارسی، نشر وثوق می باشد.

این فهرست کتاب های چاپ شده تا سال ۱۳۹۲ می باشد.

رمان مذهبی

۱ – مهاجر بهشت: حوادث روزهای پایانی زندگی پیامبر

۲ – قصه معراج : حوادث و شگفتی های معراج پیامبر

۳ – بانوی چشمه: زندگی حضرت خدیجه(س)

۴ – فریاد مهتاب: زندگی حضرت زهرا(س)

۵ – روشنی مهتاب: پاسخ به شبهات وهابیت – دفاع از حقیقت و ولایت

۶ – سرزمین یاس: ماجرای بخشش فدک به فاطمه(س)

۷ – روی دست آسمان: عید غدیر

۸ – سکوت آفتاب: شهادت حضرت امیر المؤنین

۹ – آرزوی سوم: ماجرای جنگ خندق

۱۰ – فانوس اول: ماجرای شهادت مالك بن نویره

۱۱ – الماس هستی: دهه امامت، غدیر خم.

۱۲ – در قصر تنهایی: ماجرای صلح امام حسن(ع)

۱۳–۱۹: هفت شـهر عشق: نگاهی نو به حماسه عاشورا (این کتاب در چاپ اول در هفت کتاب چاپ شد، در چاپ دوم به بعد در یک جلد چاپ شد).

۲۰ – در اوج غربت: ماجرای شهادت مسلم بن عقیل

کتاب «سلام بر خورشید» در موضوع امام حسین(ع) می باشد (شرح زیارت عاشورا).

۲۱ – صبح ساحل: حوادث زندگی امام صادق(ع)

۲۲ – لذت دیدار ماه: ثواب زیارت امام رضا(ع)

۲۳ – داستان ظهور: زیبایی های ظهور امام زمان(ع)

۲۴ – حقیقت دوازدهم: اثبات ولادت امام زمان(ع)

۲۵ – آخرین عروس: داستان میلاد امام زمان(ع)

کتاب «راهی به دریا» شرح زیارت آل یاسین می باشد و کتاب «گمگشته دل» در فضیلت انتظار ظهور نوشته شده است. این دو کتاب نیز در موضوع امام زمان(ع) می باشد.

آموزه های دینی

۲۶ – خدای خوبی ها: خداشناسی، توحید ناب

۲۷ – با من تماس بگیرید: راه و روش دعا کردن

۲۸ – با من مهربان باش: مناجات با خدا

۲۹ – خدای قلب من: مناجات با خدا

۳۰ – تا خدا راهی نیست: سخنان خدا با پیامبران

۳۱ – در آغوش خدا: زیبایی های مرگ مومن

۳۲ – یک سبد

آسمان: نگاهی به چهل آیه قرآن

۳۳ – راهی به دریا: شرح زیارت آل یاسین معرفت امام زمان(ع)

۳۴ – سلام بر خورشید: شرح زیارت عاشورا

۳۵ – نردبان آبی: شرح زیارت جامعه، امام شناسی

۳۶ – گمگشته دل: فضیلت انتظار ظهور

۳۷ – آسمانی ترین عشق: فضلیت محبت به اهل بیت(ع)

۳۸ – همسر دوست داشتنی: زندگی زناشویی بهتر

۳۹ – بهشت فراموش شده: احترام به پدر و مادر

۴۰ – سمت سپیده: ارزش علم دانش

۴۱ – چرا باید فکر کنیم: ارزش فکر و اندیشه

۴۲ – لطفا لبخند بزنید: ارزش لبخند و شادمانی

۴۳ – راز خشنودی خدا: آثار کمک کردن به مردم

۴۴ – به باغ خدا برویم: فضیلت حضور در مسجد

۴۵ – راز شکرگزاری: شکر نعمت های خدا

۴۶ – فقط به خاطر تو: آثار اخلاص در عمل

۴۷ – معجزه دست دادن : آثار دست دادن، ارتباط اجتماعی

کتب عربی

۴۹ – تحقیق « فهرست سعد » .

۵۰ –تحقیق « فهرست الحمیری » .

۵۱ – تحقیق « فهرست حمید ».

۵۲ – تحقیق « فهرست ابن بطّه ».

۵۳ – تحقیق « فهرست ابن الولید » .

۵۴ – تحقیق « فهرست ابن قولویه » .

۵۵ – تحقیق « فهرست الصدوق » .

۵۶ – تحقیق « فهرست ابن عبدون » .

۵۷ – تحقیق « آداب أمیر المؤمنین» .

۵۸ – الصحیح فی فضل الزیاره الرضویه .

۵۹ – الصحیح فی البکاء الحسینی .

۶۰ – الصحیح فی فضل الزیاره الحسینیه .

۶۱ – الصحیح فی کشف بیت فاطمه(س).

۶۲ – صرخه النور.

۶۳ – إلی الرفیق الأعلی.

نشر وثوق

(ناشر همه کتاب های فارسی، نشر وثوق می باشد).

انتشارات وثوق از سال ۱۳۷۶ فعالیت خود را درحوزه نشر کتاب آغاز کرد و امروز بسیار خرسند است که قدمی هر چند کوچک در جهت ترویج تعالیم اسلام و پاسخ گویی به نیازهای فکری وفرهنگی نسل جوان کشورعزیزمان ایران برداشته واین توفیق الهی قرین راهش بوده که محققان واندیشوران علم و ادب را همچنان از این دریای معرفت وبصیرت جرعه نوش کند.

چاپ و نشر بیش از ۳۵۰ عنوان اثر در موضوعات مذهبی ، اخلاقی ، اجتماعی ، فلسفه وکلام به صورت عمومی و تخصصی حاصل کوشش های این انتشارات است.

از جمله کارهای بسیار مهم و ارزشمند انتشارات وثوق قرارداد مجموعه کتابهایی تحت عنوان اندیشه سبز می باشد که این قرارداد از ابتدای سال ۱۳۸۶ شروع شده است و تاکتون توانستم ۴۸ عنوان کتاب تحت عوان اندیشه سبز روانه بازار نماییم.

از ویژگی های مهم این مجموعه می توان به سادگی و روانی مطالب مذهبی با رویکرد داستان و رمان اشاره

کرد که با توجه به مستند بودن مطالب و استفاده از منابع دست اول کتب شیعه و سنی با قلمی بسیار شیوا جوانان عزیز را جذب کرده و کلام ناب معصومین علیهم السلام را ترویج نماییم.

۱ . إلهی، وسیّدی، ارحمنی مصروعاً علی الفراش تقلّبنی أیدی أحبّتی، وارحمنی مطروحاً علی المغتسل، یغسّلنی صالح جیرتی، وارحمنی محمولاً ـ قد تناول الأقرباء أطراف جنازتی، وارحم فی ذلک البیت المظلم وحشتی وغربتی ووحدتی: الدعوات للراوندی ص ۱۷۹، مفتاح الفلاح ص ۲۵۸، الأمالی للصدوق ۲۸۹، روضه الواعظین ص ۱۹۸، بحار الأنوار ج ۹۱ ص ۹۰. ۲ . إلهی، ما تضیرنا فرقه الإخوان والقرابات إن قرّبتنا منک یا ذا العطیات...: المصباح ص ۳۷۳، بحار الأنوار ج ۹۱ ص ۱۰۵، دستور معالم الحکم ص ۱۶۳. ۳ . إلهی، وعزّتک وجلالک وعظمتک، لو أنّی منذ بدعت فطرتی من أوّل الدهر عبدتک دوام خلود ربوبیتک بکلّ شعره فی کلّ طرفه عین سرمد الأبد بحمد الخلائق وشکرهم أجمعین، لکنت مقصّراً فی بلوغ أداء شکرِ أخفی نعمهٍ من نعمتک علیَّ...: مفتاح الفلاح ص ۲۴۵، الصحیفه السجّادیه ص ۵۳۵، الأمالی للصدوق ص ۳۷۵، بحار الأنوار ج ۹۱ ص ۹۰. ۴ . فأشکر عبادک عاجز عن شکرک...: الصحیفه السجّادیه ص ۲۷، المصباح ص ۴۱۳. ۵ . وعصیتک علی غیر مکابره ولا معانده ولا استخفاف منّی بربوبیتک، ولا جحود لحقّک، ولکن استزلّنی الشیطان بعد الحجّه والبیان، فإن تعذّبنی فبذنوبی، وإن تغفر لی فبجودک ورحمتک، یا أرحم الراحمین: الصحیفه السجّادیه ص ۴۹۷، الأمالی للطوسی ص ۴۱۵، بحار الأنوار ج ۹۱ ص ۹۱. ۶ . إلهی، إن کنت عصیتک بارتکاب شیءٍ ممّا نهیتنی عنه، فإنّی قد أطعتک فی أحبّ الأشیاء إلیک

الإیمان بک، منّاً منک به علیَّ، لا منّاً منّی به علیک، وترکت معصیتک فی أبغض الأشیاء إلیک أن أجعل لک شریکاً أو أجعل لک ولداً أو ندّاً، وعصیتک علی غیر مکابره ولا معانده ولا استخفاف منّی...: الصحیفه السجّادیه ص ۴۹۷، الأمالی ص ۴۱۵، بحار الأنوار ج ۹۱ ص ۹۱؛ اللّهمّ إن کنت قد عصیتک فإنّی قد أطعتک فی أحبّ الأشیاء إلیک وهو الإیمان بک...: کتاب من لا یحضره الفقیه ج ۱ ص ۳۳۳، مکارم الأخلاق ص ۲۷۸، إقبال الأعمال ج ۱ ص ۱۳۱، جامع أحادیث الشیعه ج ۴ ص ۵۳۴، الغارات ج ۲ ص ۸۴۹، الأمالی للطوسی ص ۴۱۵. ۷. إلهی، کیف أدعوک وقد عصیتک، وکیف لا أدعوک وقد عرفت حبّک فی قلبی، وإن کنت عاصیاً مددت إلیک یداً بالذنوب مملوءه، وعینای بالرجاء ممدوده، مولای أنت عظیم العظماء، وأنا أسیر الأُسراء، أنا أسیر بذنبٍ مرتهن بجرمی، إلهی، لئن طالبتنی بذنبی لأطالبنّک بکرمک، ولئن طالبتنی بجریرتی لأطالبنّک بعفوک...: مفتاح الفلاح ص ۲۴۱، الصحیفه السجّادیه ص ۴۸۵، الأمالی للصدوق ۴۳۸، بحار الأنوار ج ۹۱ ص ۴۳۸. ۸. سیّدی، لو أنّ عذابی ممّا یزید فی ملکک لسألتک الصبر علیه، غیر أنّی أعلم أنّه لا یزید فی ملکک طاعه المطیعین، ولا ینقص منه معصیه العاصین: مفتاح الفلاح ص ۲۵۸، الصحیفه السجّادیه ص ۲۰۱، الأمالی للصدوق ص ۲۸۸، روضه الواعظین ص ۱۹۸، فضل الکوفه ومساجدها ص ۵۸، المزار لابن المشهدی ص ۱۴۷، المزار للشهید الأوّل ص ۲۶۷، بحار الأنوار ج ۹۱ ص ۹۰. ۹. إلهی، وسیّدی وعزّتک وجلالک، لئن طالبتنی بذنوبی لأطالبک بعفوک، ولئن طالبتنی بلومی لأطالبنّک بکرمک...: مصباح المتهجّد ص ۵۹۶، الاختصاص ص ۴۱، المصباح

ص ۶۰۰، أعيان الشيعه ج ۱ ص ۶۴۹. ۱۰ . إلهی، کفی بی عزّاً أن أکون لک عبداً، وکفی بی فخراً أن تکون لی ربّاً، أنت کما أحبّ فاجعلنی کما تحبّ...: الخصال ص ۴۲۰، مسند الرضا ص ۸۴ ، کنز الفوائد ص ۱۸۱، بحار الأنوار ج ۹۱ ص ۹۲. ۱۱ . اللّهمّ إن کانت الذنوب تکفّ أيدينا عن انبساطها إليک بالسؤال، والمداومه علی المعاصی تمنعنا عن التضرّع والابتهال، فالرجاء يحثّنا إلی سؤلک، يا ذا الجلال، فإن لم يعطف السيّد علی عبده، فممّن يبتغی النوال، فلا ترد أکفّنا المتضرّعه إلّا ببلوغ الآمال...: مفتاح الفلاح ص ۲۵۹، بحار الأنوار ج ۹۱ ص ۹۳. ۱۲ . يا ربّ الأرباب أنت أنت الذی انقطع الرجاء إلّا منک: الکافی ج ۳ ص ۳۲۸، بحار الأنوار ج ۸۲ ص ۲۲۲؛ اللّهمّ أنت أنت انقطع الرجاء إلّا منک، وخابت آلامال إلّا فيک: وسائل الشيعه ج ۵ ص ۲۵۴، مستدرک الوسائل ج ۸ ص ۱۲۸، جمال الأُسبوع ص ۱۱۹، فلاح السائل ص ۲۵۶. ۱۳ . فيا معلّم مؤمّليه الأمل فيذهب عنهم کآبه الوجل...: بحار الأنوار ج ۹۱ ص ۹۶. ۱۴ . إلهی، کأنّی بنفسی قد أُضجعت فی حفرتها، وانصرف عنها المشيّعون من جيرتها، وبکی الغريب عليها لغربتها، وجاد عليها المشفقون من جيرتها، وناداها من شفير القبر ذو مودّتها، ورحمها المعادی لها فی الحياه عند صرعتها، ولم يخف علی الناظرين ضرّ فاقتها، ولا علی من رآها قد توسّدت الثری وعجز حيلتها، فقلت: ملائکتی، فريد نأی عنه الأقربون، وبعيد جفاه الأهلون، نزل بی قريباً، وأصبح فی اللحد غريباً، وقد کان لی فی دار الدنيا داعياً، ولنظری له فی هذا اليوم راجياً، فتحسن عند ذلک

ضيافتی، وتكون أشفق علیَّ من أهلی وقرابتی: الدعوات ص ۱۸۰، الصحيفه السجّاديه ص ۴۵۸، المصباح ص ۳۷۶، بحار الأنوار ج ۹۱ ص ۹۳. ۱۵ . واسمع نـدائی إذا ناديتک، واسمع دعائی إذا دعوتک، وأقبل علیَّ إذا ناجيتک، فقد هربتُ إليک، ووقفتُ بين يديک، مستكيناً لک متضرّعاً إليک، راجياً لما لديک، ترانی وتعلم ما فی نفسی، وتخبر حاجتی وتعرف ضميری، ولا يخفی عليک أمر منقلبی ومثوای، وما أُريد أن أُبدئ به من منطقی، وأتفوّه به من طلبتی، وأرجوه لعاقبه أمری...: بحار الأنوار ج ۹۱ ص ۹۷. ۱۶ . إلهی، إن كـان قـد دنـا أجلی ولـم يقربنی منـک عملی، فقـد جعلت الاعتراف إليـک بـذنبی وسائـل عللی...: مصباح المتهجّد ص ۵۹۳، إقبال الأعمال ج ۱ ص ۱۶۹، المصباح ص ۳۷۴، بحار الأنوار ج ۹۱ ص ۱۰۵. ۱۷ . إلهی، لم يزل برّک علیَّ أيّام حيـاتی، فلا تقطع برّک عنّی فی ممـاتی، وأنت لم تولّنی إلاّ الجميـل فی حيـاتی. إلهی، تولّ من أمری مـا أنت أهله، وعد بفضلک علی مذنبٍ قد غمره جهله. إلهی قد سترت علیَّ ذنوباً فی الدنيا وأنا أحوج إلی سترها علیَّ منک فی الأُخری. إلهی، قد أحسنت إلیَّ إذ لم تظهرها لأحد من عبادک الصالحين، فلا تفضحنی يوم القيامه علی رؤس الأشهاد... إلهی، لو أردت هوانی لم تهـدنی، ولو أردت فضيحتی لم تعافنی. إلهی، ما أظنّک تردّنی فی حاجه قد أفنيت عمری فی طلبها منک...: إقبال الأعمال ج ۳ ص ۲۹۶، المصباح ص ۳۷۴، بحار الأنوار ج ۹۱ ص ۹۷. ۱۸ . إلهی، لم يكن لی حـول فأنتقل به عن معصيتک إلاّ فی وقت أيقظتنی لمحبّتک، فكما أردت أن أكون كنت، فشكرتک بإدخالی فی كرمک،

ولتطهير قلبى من أوساخ الغفله عنك...: إقبال الأعمال ج ٣ ص ٢٩٨، بحار الأنوار ج ٩١ ص ٩٨، مستدرك سفينه البحار ج ٨ ص ٤٣١. ١٩ . الإمام الصادق٧: القلب حرم اللّه، لا تسكن حرم اللّه غير اللّه: بحار الأنوار ج ٦٧ ص ٢٥. ٢٠ . إلهى، هب لى قلباً يدنيه منك شوقه... إلهى، أقمنى فى أهل ولايتك مقام من رجا الزياده من محبّتك. إلهى، وألهمنى ولهاً بذكرك إلى ذكرك...: إقبال الأعمال ج ٣ ص ٢٩٨، بحار الأنوار ج ٩١ ص ٩٨. ٢١ . ارحمنى إذا انقطع معلوم عمرى، ودرس ذكرى وامتحى أثرى... منسياً كمن نُسى فى الأموات ممّن كان قبلى...: الصحيفه السجّاديه ص ٤٤٨، بحار الأنوار ج ٩١ ص ١٦١. ٢٢ . إلهى، أصبحتُ على بابٍ من أبواب منحك سائلاً وعن التعرّض لسواك بالمسأله عادلاً، وليس من جميل امتنانك ردّ سائلٍ ملهوف ومضطرٍّ لانتظار خيرك المألوف...: جمال الأُسبوع ص ٦٣، المزار لابن المشهدى ص ١٥١، بحار الأنوار ص ١٧٢. ٢٣ . إلهى، قلب حشوته من محبّتك فى دار الدنيا، كيف تطلع عليه نار محرقه فى لظى...: المزار لابن المشهدى ص ١٥٢، بحار الأنوار ج ٩٧ ص ٤٥١. ٢٤ . إلهى، إن أقعدنى الذنوب عن السبق مع الأبرار فقد أقامتنى الثقه بك على مدارج الأخيار...: بحار الأنوار ج ٩١ ص ١٠١. ٢٥ . إلهى، ارحمنا غرباء إذا تضمّنتنا بطون لحودنا، وغُمِّيت باللِّبن سقوف بيوتنا، وأُضجعنا مساكين على الإيمان فى قبورنا، وخلفنا فرادى فى أضيق المضاجع، وصرعتنا المنايا فى أعجب المصارع، وصرنا فى دار قومٍ كأنّها مأهوله وهى منهم بلاقع. إلهى، إذا جئناك عراةً حفاةً مغبرةً من ثرى الأجداث رؤسنا، وشاحبةً من تراب الملاحيد وجوهنا، وخاشعةً

من أفزاع القيامه أبصارنا، وذابلةً من شدّه العطش شفاهنا، وجائعةً لطول المقام بطوننا، وباديةً هنالك للعيون سوآتنا، وموقَّرةً من ثقل الأوزار ظهورنا، ومشغولين بما قد دهانا عن أهالينا وأولادنا، فلا تضعف المصائب علينا بإعراض وجهك الكريم عنّا، وسلب عائده ما مثله الرجاء منّا...: بحار الأنوار ج ٩١ ص ١٠٣. ٢٦ . إلهى، إذا شهد لى الإيمان بتوحيدك، وانطلق لسانى بتمجيدك، ودلّنى القرآن على فواضل جودك، فكيف لا يبتهج رجائى بحسن موعودك. إلهى، تتابع إحسانك إلىَّ يدلّنى على حسن نظرك لى، فكيف يشقى امرء حسن له منك النظر...: المصباح ص ٣٧٥، بحار الأنوار ج ٩١ ص ١٠٦، العدد القويه ص ٢٥. ٢٧ . إلهى، لو طبقت ذنوبى ما بين السماء إلى الأرض، وخرقت النجوم، وبلغت أسفل الثرى، ما ردّنى اليأس عن توقّع غفرانك، ولا صرفنى القنوط عن انتظار رضوانك. إلهى، دعوتك بالدعاء الذى علّمتنيه، فلا تحرمنى جزاءك الذى وعدتنيه، فمن النعمه أن هديتنى لحسن دعائك، ومن تمامها أن توجب لى محمود جزائك. إلهى، وعزّتك وجلالك، لقد أحببتك محبّه استقرّت حلاوتها فى قلبى، وما تنعقد ضمائر موحّديك على أنك تبغض محبّيك، إلهى، أنتظر عفوك كما ينتظره المذنبون، ولست أيأس من رحمتك التى يتوقّعها المحسنون...: المصباح ص ٣٧٧، بحار الأنوار ج ٩١ ص ١٠٨. ٢٨ . أنت الذى بفنائك حُطّت الرحال، وإليك قُصدت الآمال.... إلهى، بك لاذت القلوب؛ لأنّك غايه كلّ محبّوب، وبك استجارت فرقاً من العيوب، وأنت الذى علمت فحلمت، ونظرت فرحمت، وخبرت وسترت، وغضبت فغفرت، فهل مؤمَّل غيرك فيُرجى، أم هل ربّ سواك فيُخشى، أم هل معبود سواك فيُدعى، أم هل قدم عند الشدائد إلاّ وهى إليك تسعى، فوعزّ عزّك يا سرور الأرواح، ويا منتهى غايه

الأفراح، إنّى لا أملك غير ذلّى ومسكنتى لـديك، وفقرى وصدق توكلى عليك، فأنا الهارب منك إليك، وأنا الطالب منك ما لا يخفى عليك، فإن عفوت فبفضلك، وإن عاقبت فبعدلك، وإن مننت فبجودك، وإن تجاوزت فبدوام خلودك. إلهى، بجلال كبريائك أقسمت، وبدوام خلود بقائك آليت، إنّى لا برحت مقيماً ببابك حتّى تؤمننى من سطوات عذابك، ولا أقنع بالصفح عن سطوات عذابك حتّى أروح بجزيل ثوابك...: بحار الأنوار ج ۹۱ ص ۱۱۱. ۲۹. إلهى، كيف أدعوك وقد عصيتك؟ وكيف لا أدعوك وقد عرفتك؟ حبّك فى قلبى وإن كنت عاصياً، مددت يداً بالذنوب مملوءه، وعيناً بالرجاء ممدوده، ودمعه بالآمال موصوله. إلهى، أنت ملك العطايا، وأنا أسير الخطايا، ومن كرم العظماء الرفق بالأُسراء، وأنا أسير جرمى، مرتهن بعملى. إلهى، لئن طالبتنى بسريرتى لأطلبنّ منك عفوك...: بحار الأنوار ج ۹۱ ص ۱۲۱. ۳۰. إلهى، الويل لى ثمّ الويل لى إن أنا قدمت عليك وأنت ساخط على، فمن ذا الذى يرضيك عنّى، ليس لى حسنه سبقت لى فى طاعتك، أرفع بها إليك رأسى، أو ينطق بها لسانى، ليس لى إلاّ الرجاء منك، فقد سبقت رحمتك غضبك، عفوك عفوك عفوك، فإنّك قلت فى كتابك المنزل على نبيّك المرسل صلواتك عليه وعلى آله وسلامك: نَبِّئْ عِبَادِي أَنِّي أَنَا الْغَفُورُ الرَّحِيمُ...: الصحيفه السجّاديه ص ۴۹۰، بحار الأنوار ج ۹۱ ص ۱۲۲. ۳۱. لا استحيينا منك وأنت ترانا، ولا رعينا حقّ حرمتك أى ربّ، فبأى وجهٍ عزّ وجهك نلقاك، أو بأى لسانٍ نناجيك وقد نقضنا العهود بعد توكيدها، وجعلناك علينا كفيلاً، ثمّ دعوناك عند البليه ونحن مقتحمون فى الخطيئه، فأجبت دعوتنا وكشفت كربتنا، ورحمت فقرنا وفاقتنا...: الصحيفه السجّاديه ص ۴۹۶،

بحار الأنوارج ۹۱ ص ۱۲۵. ۳۲ . إلهی، لولا أنّ العفو من صفاتک، لما عصاک أهل معرفتک. إلهی، لولا أنّک بالعفو تجود لما عصیتک وإلی الذنب أعود... أنت الذی قلت: من الذی دعانی فلم ألبّه، ومن الذی سألنی فلم أعطه، ومن الذی أقام ببابی فلم أجبه... ونعم ما فعلت من الکرم والإحسان. إلهی، أنت أغرقتنی بالجود والکرم والعطایا، وأنا الذی أغرقت نفسی بالذنوب والجهاله والخطایا، وأنت مشهور بالإحسان، وأنا مشهور بالعصیان...: الصحیفه السجّادیه ص ۴۷۸، بحار الأنوار ج ۹۱ ص ۱۳۹. ۳۳ . إلهی، إذا تلونا من صفاتک: شدید العقاب، أسفنا، وإذا تلونا منها: الغفور الرحیم، فرحنا، فنحن بین أمرین، فلا سخطک تُؤْمِنُنا، ولا رحمتک تُؤیِسُنا. إلهی، إن قصرت مساعینا عن استحقاق نظرتک، فما قصرت رحمتک بنا عن دفاع نقمتک...: المصباح ص ۳۷۲، بحار الأنوار ج ۹۱ ص ۱۰۴. ۳۴ . فنظرت فی عملی فرأیته ضعیفاً یا مولای، وحاسبت نفسی فلم أجدنی أقوم بشکر ما أنعمتَ علیَّ، وعددت سیّئاتی فأصبتُها تَستَرِق حسناتی، فکیف أطمع أن أنال جنّتک بعملی، وأنا مرتهن بخطیئتی؟ لا کیف یا مولای إن لم تدارکنی منک برحمه تمنّ بها علیَّ فی مننٍ قد سبقت منک لا أحصیها تختم لی بها کرامتک، فطوبی لمن رضیت عنه، وویل لمن سخطت علیه، فارضِ عنّی ولا تسخط علیَّ یا مولای...: الصحیفه السجّادیه ج ۵۹۵، بحار الأنوار ج ۹۱ ص ۱۳۵. ۳۵ . سمّیت نفسک بالعفوّ...: الصحیفه السجّادیه ص ۷۸ دعاء الاستقاله من الذنوب . ۳۶ . ربِّ حسّنت خلقی، وعظّمت عافیتی، ووسّعت علیَّ فی رزقی، ولم تزل تنقلنی من نعمهٍ إلی کرامه، ومن کرامهٍ إلی فضل، تجدّد لی ذلک فی لیلی ونهاری، لا أعرف غیر ما

أنا فيه، حتّى ظننت أنّ ذلك واجب عليك لى، وأنّه لا ينبغى لى أن أكون فى غير مرتبتى، لأنّى لم أدر ما عظيم البلاء فأجد لذّه الرخاء، ولم يذلّنى الفقر فأعرف فضل الأمن، فأصبحت وأمسيت فى غفلهٍ ممّا فيه غيرى ممّن هو دونى، فكفرت ولم أشكر بلاءك، ولم أشكّ أنّ الذى أنا فيه دائم غير زائل عنّى، لا أحدّث نفسى بانتقال عافيهٍ وتحويل فقرٍ، ولا خوفٍ ولا حزنٍ فى عاجل دنياى وآجل آخرتى، فيحول ذلك بينى وبين التضرّع إليك فى دوام ذلك لى، مع ما أمرتنى به من شكرك ووعدتنى عليه من المزيد من لديك، فسهوتُ ولهوتُ، وغفلت وأمنت، وأشرت وبطرت، وتهاونت حتّى جاء التغيير مكان العافيه بحلول البلاء، ونزل الضرّ بمنزله الصحّه وبأنواع السقم والأذى، وأقبل...: الدعوات ص ١٦٧، بحار الأنوار ج ٩١ ص ١٣٦. ٣٧ . إلهى، أسألك أن تعصمنى حتّى لا أعصيك، فإنّى قد بهتّ وتحيّرت من كثره الذنوب مع العصيان، ومن كثره كرمك مع الاحسان، وقد كلّت لسانى كثره ذنوبى، وأذهبت عنّى ماء وجهى، فبأىّ وجهٍ ألقاك وقد أخلق الذنوب وجهى، وبأىّ لسانٍ أدعوك وقد أخرس المعاصى لسانى، وكيف أدعوك وأنا العاصى، وكيف لا أدعوك وأنت الكريم، وكيف أفرح وأنا العاصى، وكيف أحزن وأنت الكريم، وكيف أدعوك وأنا أنا، وكيف لا أدعوك وأنت أنت...: بحار الأنوار ج ٩١ ص ١٣٨. ٣٨ . إلهى، ضاق صدرى، ولست أدرى بأىّ علاجٍ أداوى ذنبى، فكم أتوب منها وكم أعود إليها، وكم عليها ليلى ونهارى، فحتّى متى يكون وقد أفنيت بها عمرى. إلهى، طال حزنى ورقّ عظمى، وبلى جسمى، وبقيت الذنوب على ظهرى فإليك أشكو سيّدى فقرى وفاقتى، وضعفى وقلّه حيلتى... فكيف ينقطع رجائى بموعودك.

إلهى، أنا الـذى قتلت نفسـى بسـيف العصـيان، حتّى اسـتوجبت منك القطيعه والحرمان، فالأمان الأمان، هل بقى لى عندك وجه الإحسـان...: بحـار الأنوار ج ۹۱ ص ۱۴۰. ۳۹ . إلهى، عصـاك آدم فغفرتـه، وعصـاك خلـق من ذرّيته، فيـا من عفى عن الـوالد معصـيته، اعفِ عن الوُلْدِ العصـاه لـك من ذرّيته... إلهى، جعلت لى عـدوّاً يـدخل قلبى، ويحـلّ محـلّ الرأى والفكره منّى، وأين الفرار إذا لم يكن منك عون عليه. إلهى، إنّ الشـيطان فاجر خبيث، كثير المكر شديـد الخصومه، قـديم العـداوه، كيف ينجو من يكون معه فى دار وهو المحتال، إلاّ أنّى أجد كيده ضـعيفاً، فإيّاك نعبد وإيّاك نسـتعين، وإيّاك نسـتحفظ، ولا حول ولا قوّه إلاّ بـاللّه، يا كريم يا كريم يا كريم...: الصـحيفه السـجّاديه ص ۴۸۲، بحـار الأنوار ج ۹۱ ص ۱۴۱. ۴۰ . سـيّدى قد ذكرتك بالذكر الذى ألهمتنيه، ووحّدتك بالتوحيد الذى أكرمتنيه، ودعوتك بالدعاء الذى علّمتنيه، فلا تحرمنى برحمتك الجزاء الذى وعدتنيه، فمن النعمه لك علىَّ أن هـديتنى بحسن دعائك، ومن إتمامها أن توجب لى محموده جزائك...: الصـحيفه السـجّاديه ص ۴۵۸، بحار الأنوار ج ۹۱ ص ۱۶۷؛ سيّدى، أتيتك معترفاً لك بسوء فعلى، خاضعاً لك باستكانه ذلّى، راجياً منك جميل ما عرّفتنيه من الفضل الـذى عوّدتنيه، فلا تصـرف رجائى من فضـلك خائباً: بحار الأنوار ج ۹۱ ص ۱۶۹. ۴۱ . إلهى، وكيـف أدعوك وأتمنّى الجنّه مع أفعـالى القبيحه، وكيف لا أدعوك وأتمنّى الجنّه مع أفعالك الحسـنه الجميله. إلهى، أنا الـذى أدعوك وإن عصـيتك، ولا ينسـى قلبى ذكرك. إلهى، أنا الذى أرجوك وإن عصيتك، ولا ينقطع رجائى بكثره عفوك يا مولاى. إلهى، ذنوبى عظيمه، ولكنّ عفوك أعظم من ذنوبى. إلهى، بعفوك العظيم اغفر لى العظيمه،

فـإنّه لا يغفر الـذنوب العظيمه إلاّ الربّ العظيم...: الصـحيفه السـجّاديه ص ۴۷۸، بحـار الأنوار ج ۹۱ ص ۱۳۹. ۴۲ . ثـمّ نظر يميناً وشمالاً بعد هذا الدعاء، ثمّ قال: أما تدرون ما كان أمير المؤنين۷ يقول فى سجده الشكر؟ قلنا: وما كان يقول؟ قال: كان يقول: يا من لاـ يزيـده إلحـاح الملحّين إلاّـ جوداً وكرماً، يـا من له خزائن السـماوات والأـرض، يـا من له خزائن مـا دقّ وجلّ، لا يمنعك إسـاءتى من إحسانـك، إنى أسألـك أن تفعـل بى مـا أنت أهله، وأنت أهل الجود والكرم والعفو، يا اللّه يا اللّه، افعل بى ما أنت أهله، وأنت قادر على العقوبه، وقـد اسـتحققتها، لا حجّه لى ولا عذر لى عندك، أبوء إليك بذنوبى كلّها، وأعترف بها كى تعفو عنّى...: بحـار الأنوار ج ۹۱ ص ۱۸۸. ۴۳ . أفكّر فى غنـاك عن عـذابى، وفقرى إلى رحمتـك يـا مولاى، مع هوان ما طمعت فيه منـك عليك، وعسره عنـدى ويسـره عليك، وعظيم قـدره عنـدى، وكبير خطره لـديّ، وموقعه منّى، مع جودك بجسـيم الأُمور، وصـفحك عن الذنب الكبير، لا يتعاظمك يا سـيّدى ذنب أن تغفره...: الصحيفه السجّاديه ص ۵۹۲، بحار الأنوارج ۹۱ ص ۱۳۵. ۴۴ . إلهى، أمرت بالمعروف وأنت أولى به من المأمورين، وأمرت بصله السؤل وأنت خير المسؤلين. إلهى، كيف ينقل بنا اليأس إلى الإمسـاك عمّـا لهجنـا بطِلاَـبه، وقـد ادّرعنـا من تأميلنـا إيّـاك أسـبغ أثوابه. إلهى، إذا هزّت الرهبه أفنـان مخافتنا، انقلعت من الأُصول أشجارها، وإذا تنسّمت أرواح الرغبه منّا أغصان رجائنا، أينعت بتلقيح البشاره أثمارها...: المصباح ص ۳۷۲، بحار الأنوار ج ۹۱ ص ۱۰۴. ۴۵ . إلهى، إن أخطأتُ طريق النظر لنفسى بما فيه كرامتها، فقد أصبتُ طريق

الفزع إليك بما فيه سلامتها. إلهی، إن کانت نفسی استسعدتنی متمرّده علی ما یردیها، فقد استسعدتها الآن بدعائک علی ما ینجیها... إلهی، إن أحجم بی قلّه الزاد فی المسیر إلیک، فقد وصلته الآن بذخائر ما أعددته من فضل تعویلی علیک: المصباح ص ۳۷۰، بحار الأنوار ص ۱۰۲، دستور معالم الحکم ص ۱۶۷. ۴۶ . وکان اللّه أنیسه فی الوحشه، وصاحبه فی الوحده: عدّه الداعی ص ۲۱۹. ۴۷ . إلهی، وإنّ کلّ حلاوه منقطعه، وحلاوه الإیمان تزداد حلاوتها اتّصالاً بک: بحار الأنوار ج ۹۱ ص ۹۶. ۴۸ . ولولاـ تعلّقی بآلائک، وتمسّکی بالرجاء لما وعدت أمثالی من المسرفین، وأشباهی من الخاطئین بقولک: (قُلْ یَعِبَادِیَ الَّذِینَ أَسْرَفُواْ عَلَی أَنفُسِهِمْ لاَ تَقْنَطُواْ مِن رَّحْمَهِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ یَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِیعًا إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِیمُ)...: مفتاح الفلاح ص ۷۳، المصباح ص ۲۷۸، بحار الأنوار ج ۹۱ ص ۱۸۲، صحیفه الرضا ص ۱۰۸. ۴۹ . فإن کان ذنوبی حالت بین دعائی وإجابتک، فلم یحل کرمک بینی وبین مغفرتک، لا تضلّ مَن هدیت، ولا تذلّ من والیت، ولا یفتقر من أغنیت، ولا یسعد من أشقیت...: الصحیفه السجّادیه ص ۴۶۱، بحار الأنوارج ۹۱ ص ۱۶۹. ۵۰ . واثِقٌ بعد ذلک منک بالصفح الکریم، والعفو القدیم، والرحمه الواسعه، فجرّأنی علی معصیتک ما أذقتنی من رحمتک ووثوبی علی محارمک، ما رأیت من عفوک، ولو خفت تعجیل نقمتک لأخذت حذری منک کما أخذته من غیرک ممّن هو دونک ممّن خفت سطوته، فاجتنبت ناحیته... عبادک جمیعاً إلیک فقراء، وأنا أفقرهم إلیک، لذنبٍ تغفره، ولفقرٍ تجبره...: الصحیفه السجّادیه ص ۵۹۴، بحار الأنوار ج ۹۱ ص ۱۳۴. ۵۱ . من أنا یا سیّدی فتقصد قصدی بغضبٍ یدوم منک

علیَّ تریـد به عـذابی، ما أنا فی خلقک إلّا بمنزله الـذرّه فی ملکک العظیم، فهب لی نفسـی بجودک وکرمک، فإنّک تجد منّی خلقاً ولاـ أجـد منـک وبـک غنیً عنّی، ولاـ غنی بی حتّی تلحقنی بهم فتصـیّرنی معهم، إنّـک أنت العزیز الحکیم...: الصـحیفه السـجّادیه ص ۵۹۷، بحـار الأـنوار ج ۹۱ ص ۱۳۶. ۵۲ . إلهی، أنـا عبـدک الضـعیف المـذنب، ومملوکک المنیب المغیث، فلا تجعلنی ممّن صـرفت عنه وجهـک، وحجبه سـهوه عن عفوک...: بحـار الأـنوار ج ۹۱ ص ۹۹. ۵۳ . إلهی، اُحـبّ طاعتـک وإن قصـرت عنها، وأکره معصیتک وإن رکبتها...: المصباح ص ۳۷۰، بحار الأنوار ج ۹۱ ص ۱۰۱. ۵۴ . إلهی، إن کنت لا ترحم إلّا المجدّین فی طاعتک، فإلی من یفزع المقصّـِرون، وإن کنت لا تقبل إلّا من المجتهدین، فإلی من یلتجئ المفرطون، وإن کنت لا تکرم إلّا أهل الإحسان، فکیف یصـنع المسـیؤون، وإن کان لا یفوز یوم الحشـر إلّا المتّقون، فبمن یستغیث المذنبون...: المصباح ص ۳۷۱، بحار الأنوار ج ۹۱ ص ۱۰۳. ۵۵ . إلهی، واجعلنی ممّن نادیته فأجابک، ولاحظته فصـعق بجلالک، فناجیته سرّاً وعمل لـک جهراً. إلهی، لم أسلّط علی حسن ظنّی قنوط الإیاس، ولا انقطع رجائی من جمیل کرمک...: إقبال الأعمال ص ۲۹۹، بحار الأـنوار ج ۹۱ ص ۹۹. ۵۶ . إلهی، کیف أنقلب من عنـدک بـالخیبه محرومـاً، وقـد کـان حسن ظنّی بجودک أن تقلبنی بالنجـاه مرحوماً...: الصحیفه السجّادیه ص ۴۵۰، إقبال الأعمال ج ۳ ص ۲۹۷، بحار الأنوار ج ۹۱ ص ۹۸. ۵۷ . إلهی، لیس تشبه مسألتی مسأله السائلین؛ لأنّ السائل إذا مُنع امتنع عن السؤال، وأنا لا غناء بی عمّا سألتک علی کلّ حال. إلهی، ارضَ عنّی، فإن

لم ترضَ عنّی فاعف عنّی، فقد یعفو السیّد عن عبده وهو عنه غیر راضٍ...: الصحیفه السجّادیه ص ۴۲۸، بحار الأنوار ج ۹۱ ص ۱۰۵. ۵۸. وإن أدخلتنی النار أعلمتُ أهلها أنّی أُحبّک...: إقبال الأعمال ج ۳ ص ۹۷، بحار الأنوار ۹۱ ص ۹۸؛ ولئن أدخلتنی النار لأُخبرنّ أهل النار بحبّی لک...: الصحیفه السجّادیه ص ۲۲۲، مصباح المتهجّد ص ۵۹۶، بحار الأنوار ج ۹۵ ص ۹۲. ۵۹. إلهی، لا تردّنی فی حاجهٍ قد أفنیت عمری فی طلبها منک، وهی المغفره...: المصباح ص ۳۷۵، بحار الأنوار ج ۹۱ ص ۱۰۶. ۶۰. إلهی، ما وصفت من بلاءٍ ابتلیتنیه، أو إحسانٍ أولیتنیه، فکلّ ذلک بمنّک فعلته، وعفوک تمام ذلک إن أتممته...: المصباح ص ۳۷۵، بحار الأنوار ج ۹۱ ص ۱۰۶. ۶۱. لولا ما عرفت من کرمک، ما رجوت ثوابک، وأنت أولی الأکرمین بتحقیق أمل الآملین، وأرحم من استُرحم فی تجاوزه عن المذنبین. إلهی، نفسی تمنّینی بأنّک تغفر لی، فأکرم بها أُمنیهً بشَّرت بعفوک، فصدّق بکرمک مبشِّرات تُمنّیها، وهب لی بجودک مُدبِّرات تجنّیها...: المصباح ص ۳۷۵، بحار الأنوار ج ۹۱ ص ۱۰۶. ۶۲. إلهی، أصبحتُ علی بابٍ من أبواب منحک سائلاً وعن التعرّض لسواک بالمسأله عادلاً، ولیس من جمیل امتنانک ردّ سائل ملهوف ومضطرّ لانتظار خیرک المألوف... لو لم تطلق لسانی بدعائک ما دعوت، ولو لم تعرّفنی حلاوه معرفتک ما عرفت، ولو لم تعرّفنی حقیقه معرفتک ما عرفت...: المزار لابن المشهدی ص ۱۵۱، جمال الأُسبوع ص ۶۲، بحار الأنوار ج ۹۱ ص ۱۰۰. ۶۳. ترکی للاستغفار مع سعه رحمتک عجز. إلهی، کم تتحبّب إلیَّ بالنعم وأنت عنّی غنیّ، وأتبغّض إلیک بالمعاصی وأنا إلیک محتاج،

فیا من إذا وعـد وفا، وإذا تواعـد عفا...: الصـحیفه السـجّادیه ص ۸۴ ، بحـار الأنوار ج ۹۱ ص ۱۳۲. ۶۴ . ما کنتُ عبـداً لغیرک فیکون غیرک لی مولی، ولا کنتُ مرزوقاً من سواک فأسـتدیمه عاده الحسـنی، وما قصـدت باباً إلاّ بابک، فلا تطردنی من بابک الأدنی...: الصـحیفه السجّادیه ص ۱۸۶، بحـار الأنوار ج ۹۱ ص ۱۳۱. ۶۵ . یـا من هو عوض من کلّ شـیء، ولیس منه عوض...: بحـار الأنوار ج ۹۱ ص ۱۲۵. ۶۶ . إلهی، مـا أضـیق الطریـق علی من لم تکن أنت أنیسه. إلهی، إن طـالبتنی بـذنوبی لأطـالبنّک بعفوک، ولئن طـالبتنی بسـریرتی لأطالبنّک بکرمک...: المزار لابن المشـهدی ص ۱۵۰، بحـار الأنوار ج ۹۱ ص ۹۳؛ ما أضیق الطریق علی من لم یکن الحقّ تعالی دلیله...: شـرح نهـج البلاغه ج ۲۰ ص ۳۴۷. ۶۷ . أنا الـذی لا أقطع منک رجائی، ولا أخیب منک دعائی. إلهی، نظرتُ إلی عملی فوجدته ضـعیفاً، وحاسـبتُ نفسی فوجدتها لا تقوی علی شکر نعمه واحده أنعمتها علیَّ...: الصحیفه السجّادیه ص ۴۸۵، بحار الأنوار ج ۹۱ ص ۱۲۱. ۶۸ . إلهی، متی خاب فی غنائک آمل، وانصـرف بالردّ عنک سائل، أم متی دُعیت فلم تَجب، أم استُوهِبت فلم تَهَب، یـا من أمر بالـدعاء، وتکفّل بالوفاء، لا تحرمنی رضوانک...: بحار الأنوار ج ۹۱ ص ۱۱۲. ۶۹ . إلهی وسـیّدی ومولـای، إن رددتنی إلی نفسـی أهلکتنی. إلهی، وسیّدی ومولـای إن رددتنی إلی سؤال غیرک أذللتنی. إلهی وسیّدی ومولای، أوبقتنی ذنوبی وأنت أولی من عفا عنّی...: الصـحیفه السجّادیه ص ۴۹۸، بحار الأنوار ج ۹۱ ص ۱۲۲. ۷۰ . ولا تجعلنی ممّن یبطره الرخاء ویصرعه البلاء، فلا یدعوک إلاّ عند حلول نازله،

ولا يذكرك إلاّ عند وقوع جائحه فيصرع لك خدّه، وترفع بالمسأله إليك يده...: الصحيفه السجّاديه ص ۴۸۷، بحار الأنوار ج ۹۱ ص ۱۳۰. ۷۱ . فسألتك مسأله من لا يستوجب أن تسمع له دعوه؛ لعظيم ما كنت فيه من الغفله، وطلبت طلبه من لا يستحقّ نجاح الطلبه؛ للذى كنت فيه من اللّهو والفتره، وتضرّعت تضرّع من لا يستوجب الرحمه؛ لما كنت فيه من الزهو والاستطاله... ووعدتنى منك وعداً حسناً أن أدعوك فتستجيب لى، فأنا أدعوك كما أمرتنى، فاستجب لى كما وعدتنى، وزدنى من نعمتك وعافيتك وكِلاءَتك وسترك...: الدعوات ص ۱۷۶، الصحيفه السجّاديه ص ۸۰، بحار الأنوار ج ۹۱ ص ۱۳۶. ۷۲ . لا أعرف من نفسى إلاّ كلّ الذى يسوؤنى، ولا أعرف منك إلاّ كلّ الذى يسرّنى...: بحار الأنوار ج ۹۲ ص ۴۳۳. ۷۳ . يا خيراً من أبى وأُمّى، ومن الناس كلّهم أجمعين... يا خير من خلوت به فى وحدتى...: الصحيفه السجّاديه ص ۶۸، بحار الأنوار ج ۹۲ ص ۴۳۶. ۷۴ . إلهى، إن كنت لا ترحم إلاّ المجدّين فى طاعتك، فإلى من يفزع المقصّرون؟ وإن كنت لا تقبل إلاّ من المجتهدين، فإلى من يلتجئ المفرطون؟ سيّدى أمرت بالمعروف وأنت أولى به من المأمورين، وحضضت على إعطاء السائلين وأنت خير المسؤلين، وندبت إلى عتيق الرقاب وأنت خير المعتقين...: بحار الأنوار ج ۹۱ ص ۱۶۵. ۷۵ . اقبل بوجهك الكريم إلىَّ، ولا تصرفه عنّى: الأمالى للمفيد ص ۲۴۳، بحار الأنوار ج ۹۲ ص ۱۸۳. ۷۶ . وحبّى لك شفيعى إليك، وأنا واثق من دليلى بدلالتك، وساكن من شفيعى إلى شفاعتك...: مصباح المتهجّد ص ۵۸۳، إقبال الأعمال ج ۱ ص ۱۵۹، بحار الأنوار ج ۹۵

ص ۸۳ . ۷۷ . فإنّ کرمک یجلّ عن مجازات المذنبین...: مصباح المتهجّد ص ۵۸۴، بحار الأنوار ج ۹۵ ص ۸۴ . ۷۸ . أین غیاثک السریع؟ أین رحمتک الواسعه؟ أین عطایاک الفاضله...: مصباح المتهجّد ص ۵۸۵، المصباحص ۵۹۱، بحار الأنوار ج ۹۵ ص ۸۴ . ۷۹ . یا حبیب من تحبّب إلیه، ویا قرّه عین من لاذ به وانقطع إلیه...: مصباح المتهجّد ص ۵۸۵، بحار الأنوار ج ۹۴ ص ۳۳۸. ۸۰ . أنا صاحب الدواهی العظمی، أنا الذی لم استحیک فی الخلاء... أنا الذی علی سیّده اجتری...: إقبال الأعمال ج ۱ ص ۱۶۵، المصباح ص ۵۹۴، بحار الأنوار ج ۹۵ ص ۸۷ . ۸۱ . یا من أقال عثرتی، ونفّس کربتی، وأجاب دعوتی، وستر عورتی وغفر ذنوبی...: إقبال الأعمال ج ۲ ص ۸۲ ، بحار الأنوار ج ۹۵ ص ۲۲۱. ۸۲ . فوعزّتک لو انتهرتنی ما برحت من بابک، ولا کففت عن تملّقک؛ لما أُلهم قلبی یا سیّدی من المعرفه بکرمک وسعه رحمتک...: مصباح المتهجّد ص ۵۹۰، المصباح ص ۵۹۵، بحار الأنوار ج ۹۵ ص ۸۸ . ۸۳ . مولای، بذکرک عاش قلبی، وبمناجتک بَرّدت ألم الخوف عنّی، فیا مولای ویا مؤمّلی ویا منتهی سؤلی... فإنّما أسألک لقدیم الرجاء لک، وعظیم الطمع فیک الذی أوجبته علی نفسک من الرأفه والرحمه...: مصباح المتهجّد ص ۵۹۲، بحار الأنوار ج ۹۵ ص ۸۹ . ۸۴ . اللّهمّ إنّی استغفرک لما تبت إلیک منه ثمّ عدت فیه...: مصباح المتهجّد ص ۲۱۹، مستدرک الوسائل ج ۶ ص ۲۸۱، مکارم الأخلاق ص ۳۰۳، الدروع الواقیه ص ۲۴۸، جامع أحادیث الشیعه ج ۷ ص ۳۷۴، کنز العمّالج ۲ ص ۷۰۱. ۸۵

. سیّدی، بمن أستغیث إن لم تقلنی عثرتی، وإلی من أفزع إن فقدت عنایتک فی ضجعتی... سیّدی مَن لی ومَن یرحمنی إن لم ترحمنی... فإنّ کثره ذنوبی لا أرجو لها إلاّ عفوک، سیّدی أنا أسألک ما لا أستحقّ، وأنت أهل التقوی وأهل المغفره...: مصباح المتهجّد ص ۵۹۳، إقبال الأعمال ج ۱ ص ۱۷۰، بحار الأنوار ج ۹۵ ص ۹۰. ۸۶. اللّهمّ إنّی أدعوک لهمٍّ لا یفرّجه غیرک، ولرحمهٍ لا تُنال إلاّ بک...: مصباح المتهجّد ص ۷۱، فلاح السائل ص ۱۹۶، بحار الأنوار ج ۸۳ ص ۱۸۲. ۸۷. فوعزّتک یا سیّدی، لو انتهرتنی ما برحت من بابک... إنّ لنا فیک رجاءً عظیماً، عصیناک ونحن نرجو أن تستر علینا...: إقبال الأعمال ج ۱ ص ۱۶۱، بحار الأنوار ج ۹۵ ص ۸۵ . ۸۸. إلهی، کیف آیس من حسن نظرک لی بعد مماتی وأنت لم تولّنی إلاّ الجمیل فی حیاتی...: إقبال الأعمال ج ۳ ص ۲۹۶، بحار الأنوار ج ۹۲ ص ۲۴۲. ۸۹. فکم تتحبّب إلیَّ بالنعم مع غناک عنّی، وأتبغّض إلیک بالمعاصی مع فقری إلیک...: مصباح المتهجّد ص ۵۶۶، تهذیب الأحکام ج ۳ ص ۹۰، بحار الأنوار ج ۹۵ ص ۱۳۳. ۹۰ . متی خاب فی فنائک آملٌ، أم متی انصرف بالردّ عنک سائلٌ. إلهی، ما دعاک من لم تجبه؛ لإنّک قلت: ادعونی استجب لکم، وأنت لا تخلف المیعاد...: بحار الأنوار ج ۹۱ ص ۱۱۲. ۹۱ . سیّدی عافیه من أرجو إن لم أرج عافیتک، وعفو من أرجو إن لم أرج عفوک، ورحمه من أرجو إن لم أرج رحمتک، ومغفره من أرجو إذا لم أرج مغفرتک...: الصحیفه السجّادیه ص ۳۳۵، بحار الأنوار ج

۹۵ ص ۲۳۷. ۹۲ . أنت أنت انقطع الرجاء إلاّ منك، وخابت الآمال إلاّ فيك، فلا تقطع رجائى يا مولاى...: مفتاح الفلاح ص ۲۰۸، الصحيفه السجّاديه ص ۳۴۷، وسائل الشيعه ج ۸ ص ۱۲۷، بحار الأنوار ج ۹۷ ص ۱۹۰. ۹۳ . وارزقنى توبه نصوحاً أستوجب بها محبّتك: إقبال الأعمال ج ۲ ص ۲۹۷، بحار الأنوار ج ۹۵ ص ۳۱۴. ۹۴ . اللّهمّ إنّى أعوذ بك من علمٍ لا ينفع، ومن دعاءٍ لا يُسمع: مسند أحمد ج ۲ ص ۱۶۷، سنن ابن ماجه ج ۱ ص ۹۲، سنن أبى داوود ج ۱ ص ۳۴۵، سنن النسائى ج ۸ ص ۲۶۳، المستدرك ج ۱ ص ۱۰۴، عون المعبود ج ۱۲ ص ۲۰۷، السنن الكبرى ج ۴ ص ۴۴۵، مسند أبى يعلى ج ۱۱ ص ۴۱۱، المعجم الأوسط ج ۱ ص ۲۰۶، المعجم الكبير ج ۱۱ ص ۴۴، مسند الشاميّين ج ۴ ص ۳۰۳، تهذيب الكمال ج ۱۴ ص ۱۲۵، ميزان الاعتدال ج ۳ ص ۲۰۸. ۹۵ . لا تكلنى إلى نفسى طرفه عين...: الكافى ج ۷ ص ۲، دعائم الإسلام ج ۲ ص ۳۴۶، كتاب من لا يحضره الفقيه ج ۴ ص ۱۸۸، تفسير القمّى ج ۲ ص ۵۶، تفسير نور الثقلين ج ۳ ص ۱۹۹، مجمع الزوائد ج ۱۰ ص ۱۸۱، الجامع الصغير ج ۱ ص ۲۲۰، كنز العمّال ج ۲ ص ۱۳۹، تفسير الثعالبى ج ۳ ص ۴۸۸، تفسير الآلوسى ج ۱۵ ص ۱۲۹. ۹۶ . اللّهمّ إنّى أخلصت بانقطاعى إليك، وأقبلت بكلّى عليك، وصرفت وجهى عمّن يحتاج إلى رفدك، وقلبت مسألتى عمّن لم يستغنِ عن فضلك...: الصحيفه السجّاديه ص ۱۴۴، تفسير نور الثقلين

ج ۵ ص ۱۳۳. ۹۷ . یا من یعطی من سأله تحنّناً منه ورحمه، ویبتدئ بالخیر من لم یسأله تفضّلًا منه وکرماً...: مصباح المتهجّدص ۵۹۸، إقبال الأعمال ج ۱ ص ۱۷۷، بحار الأنوار ج ۹۵ ص ۹۵. ۹۸ . هذا مقام من تداولته أیدی الذنوب، واستحوذ عیله الشیطان، فقصر عمّا أمرت به تفریطاً... فأقبل نحوک مؤمّلًا لک مستحییاً منک...: الصحیفه السجادیه ص ۱۵۲. ۹۹ . وقد قلت یا إلهی فی محکم کتابک أنّک تقبل التوبه عن عبادک، وتعفو عن السیّئات، وتحبّ التوّابین، فاقبل توبتی کما وعدت، واعف عن سیّئاتی کما ضمنت...: الصحیفه السجّادیه ص ۱۵۳. ۱۰۰ . إن یکن الندم توبه إلیک، فأنا أندم النادمین... إن یکن الاستغفار حطّه للذنوب، فإنّی لک من المستغفرین، اللّهمّ فکما أمرت بالتوبه وضمنت القبول وحثثت علی الدعاء ووعدت الإجابه...: الصحیفه السجّادیه ص ۱۶۵. ۱۰۱ . أنت الذی فتحت لعبادک باباً إلی عفوک وسمّیته التوبه، وجعلت علی ذلک الباب دلیلًا من وحیک؛ لئلّا یضلّوا عنه، فقلت تبارک اسمک: تُوبُواْ إِلَی اللَّهِ تَوْبَهً نَّصُوحًا...: مصباح المتهجّد ص ۷۴۲، إقبال الأعمال ج ۱ ص ۴۲۳. ۱۰۲ . بابک مفتوح للراغبین، وجودک مباح للسائلین، وإغاثتک قریبه من المستغیثین.... عادتک الإحسان إلی المسیئین، وسنّتک الإبقاء علی المعتدین...: مصباح المتهجّد ص ۳۶۹، جمال الأُسبوع ۲۶۲، المصباح ص ۴۳۳. ۱۰۳ . فها أنا ذا أؤمّک بالوفاده، وأسألک حسن الرفاده... واسمع نجوای واستجب دعائی، ولا تختم یومی بخیبتی...: مصباح المتهجّد ص ۳۷۱، المصباح ص ۴۳۶. ۱۰۴ . وها أنا ذا بین یدیک صاغراً ذلیلاً خاضعاً خاشعاً خائفاً، معترفاً بعظیمٍ من الذنوب تحمّلته، وجلیل من الخطایا اجترمته... موقناً أنّه لا یجیرنی منک مجیر...: المصباح ص ۶۷۶. ۱۰۵ .

وزيّن لىَّ التفرّد بمناجاتك بالليل والنهار...: الصحيفه السجّاديه ص ۳۲۸. ۱۰۶ . وهب لى رحمةً واسعةً جامعه أبلغ بها خير الدنيا والآخره...: مصباح المتهجّد ص ۵۹۸، إقبال الأعمال ج ۱ ص ۱۷۷. ۱۰۷ . إلهى، كم من بلاءٍ وجهدٍ قد صرفت عنّى، وكم من نعمةٍ سابغةٍ أقررتَ بها عينى... أنت الذى أجبت عند الاضطرار دعوتى... بل وجدتك لدعائى سامعاً ولمطالبى معطياً...: الصحيفه السجّاديه ص ۳۷۶. ۱۰۸ . جلّلت أن يخاف منك إلاّ العدل، وأن يُرجى منك إلاّ الإحسان والفضل... يا من يُسمّى بالغفور الرحيم... أقبل توبتى، وزكّ عملى، واشكر سعيى، وارحم ضراعتى...: بحار الأنوار ج ۹۹ ص ۵۶. ۱۰۹ . فإن كانت الذنوب قد حالت بينى وبينك أن تقبل علىَّ بوجهك وتنشر علىَّ برحمتك وترفع لى إليك صوتاً... متقرّباً بنبيّك محمّد أحبّ خلقك إليك وأكرمهم لديك... وبعترته صلّى اللّه عليهم، الهداه المهديّين...: مصباح المتهجّد ص ۶۹۴، إقبال الأعمال ج ۲ ص ۱۰۷، بحار الأنوار ج ۹۹ ص ۱۷۲. --

-- ۱

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که مـا را در دستیـابی به این هـدف یـاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادنـد تقـدیر و تشـکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصـفهان -خیابان عبـدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شـهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹


مرکز تحقیقات رایانه‌ای


WWW